

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

# دولت

آزادی جاسوسان آمریکایی  
ماهیت دولت جمهوری  
اسلامی را هر چه بیشتر افشاء کرد

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۹۴

پنجشنبه ۲ بهمن ۱۳۵۹

۲۰ صفحه - ۳۰ ریال

## داغ ننگی که بر پیشانی شکنجه جمهوری اسلامی نیز حک شده است!

ما شا الله قصاب ها، فهیم ها، خلخالی ها، کچوئی ها و... بساط شکنجه را دوباره احیا کرده است. مردمی که خبیثان میگردند دند خمه های شکنجه همراه با آلت و ابزارهای آن بصورت موزه درخواهد آمد، چه زود به اشتباه خویش پی بردند! بقیه در صفحه ۹

هنوز خا طره شکنجه های آریا مهری از ذهن مردم فهیمان پرور ما ز دوده نشده بود، و هنوز چندصاحی از تسخیر شکنجه - گاههای مخوف ساواک شاه توسط توده های قیام کننده در اوین و سلولهای کمینته نگذشتند بود که مردم با نیاوری اطلاع یافتند که رژیم جمهوری اسلامی بدست

## دولت جمهوری اسلامی با شرایط خفت باری با امپریالیسم آمریکا توافق کرد

در روزهای گذشته مطبوعات ایران و جهان مطالبی را به حصول توافق نهایی بین دولت ایران و دولت امپریالیستی آمریکا بر سر مسئله آزادی جاسوسان آمریکایی اختصاص دادند.

سخنگوی دولت بهزا دهنوی نیز دوشنبه شب در یک محاسبه مطبوعاتی رئیس کلی این توافق را اعلام داشت. توافقی که در اساس از مدتها پیش صورت گرفته بود و تنها احتیاج به یک سری ریزه کاریهای دیپلماتیک و حل پاره ای خرده اختلافات داشت که آن نیز میبایستی پس از یک دوره علی الظاهر اولتیماتومهای متقابل و مذاکرات محرمانه خاتمه پذیرد. سخنگوی دولت در این محاسبه مطبوعاتی خود چنان صحبت می کرد که گویی توافق بدست آمده کاملاً منفع دولت ایران بوده و امپریالیسم آمریکا در تمام سلوچ عقب نشینی کرده است و پیشنهادات ایران را پذیرفته است. اما واقعیت غیر از این است و با دقت در توضیحات ایشان هر انسان اندک آگاهی پی می برد که ارکان ملا دورغ می گوید و تمام ژست های دیپلماتیکش جز فریب و تحمیق توده ها بقیه در صفحه ۲

## نگرشی کوتاه بر مراسم بزرگداشت سالگرد بازگشایی دانشگاه

در صفحه ۱۷

## گرامی باد خاطره سی و پنجمین سالگرد اعلام خود مختاری در کردستان

با فرا رسیدن دوم بهمن ماه سی و پنجمین سال از هنگامیکه قاضی محمد رهبر شهید جنبش خلق کرد از طرف مجمع ملی خلق کرد بعنوان رئیس حکومت خود مختار کردستان انتخاب شد میگذرد. حکومت خود مختار که در ۲ بهمن ۱۳۲۴ تشکیل شد، از همان آغاز مورد کینه و دشمنی رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران قرار گرفت و با مقابله نیروهای دولتی در سقز و سردشت روبرو گردید. اما حکومت خود مختار شهرهای کردستان شمالی نظیر میانه، میاندو - آب، بوکان، خانه و نقده را زیر حاکمیت خود داشت و شهر ارومیه نیز مشترکاً توسط بقیه در صفحه ۱۶

## چگونه سرمایه داران از حیره بندی سود می ببرند

در صفحه ۱۱

## در این شماره

● گزارشهای روستائی

● مردم چه میگویند، مردم چه میخواهند؟

● هیئت حاکمه و مسئله ارضی

● اخبار کردستان

## جنگ

واعث نسلای  
نوپن مبارزات کارگران

در صفحه ۳

## سالروز ۲۲ بهمن قیام مسلحانه خلق ۱۹ بهمن، رستاخیز سیاهکل و باشکوه هر چه بیشتری برگزار کنیم

# نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و بانگاه داخلش

### دولت جمهوری اسلامی با شرایط خفت باری...

تنها موقعیت حزب بلکه کل هیئت  
حاکمیت را بخاطر انداخته است .  
حزب جمهوری اسلامی می‌کوشد تا با  
حل هر چه سریعتر مسئله جاسوسان  
آمریکائی زمینه را برای ورود سرمایه  
ها و کالاهای امپریالیستی و نیز تا مین  
سلاحهای آمریکائی مسا عدت را زد ، تا  
از این طریق بتواند تا حدی بر مشکلات  
اقتصادی و بتبع آن مشکلات سیاسی  
خود فائق آید .

گرچه آقای نبوی در مصاحبه  
مطبوعاتی خود ادعا می‌کند که در آینده  
با شدت وحدت مبارزه دولت علیه  
امپریالیسم ادامه خواهد داد  
یاقت ، اما توده‌های زحمتکش میهن ما  
بتجربه دریافته اند که مبارزه  
ضد امپریالیستی آقایان از چه قماش  
است و بقول خود آقای نبوی بین آنچه  
که سران کشورهای سرمایه داری در  
سخنرانی‌های خود ب مردم می‌گویند آنچه  
که در عمل و مذاکرات مخفیانه خود  
انجام می‌دهند تفاوت وجود دارد ، یعنی  
میان مبارزه ضد امپریالیستی حزب  
جمهوری اسلامی در حرف با مبارزه واقعا  
ضد امپریالیستی دره ای ژرف فاصله  
است .

مبارزه ضد امپریالیستی واقعی  
که توده‌ها خواهان آن هستند مبارزه  
علیه پایگاه امپریالیسم است ،  
مبارزه علیه سرمایه داران وابسته  
است ، مبارزه علیه زمینداران بزرگ  
مبارزه علیه تمامی ارگانها و نهاد  
های وابسته به امپریالیسم و سیستم  
سرمایه داری وابسته ، مبارزه در جهت  
لغو تمام قراردادهای اسارتبار با  
تمامی امپریالیستها و ... است .

اما امروزه توده‌های زحمتکش  
بعینه می‌بینند که نه تنها با تسخیر  
جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا نشانی  
از ادیکالیزه شدن حاکمیت در دست  
نیست ، نه تنها به ابتکار و مبارزه  
ضد امپریالیستی توده‌ها میدان داده  
نشده ، نه تنها اقدامات حادی علیه  
سرمایه داران و زمینداران صورت  
نگرفت ، نه تنها قراردادهای اسارتبار  
رژیم گذشته با امپریالیستها ، افشاء  
و لغو نشدند ، بلکه هر روز موقعیت  
سرمایه داران مستحکم تر می‌شود ، رفهرم  
بوروکراتیک بورژوازی نیز در نیمه  
راه متوقف می‌گردد ، ارتش با زساز  
می‌شود ، سرکوب و اختناق تشدید می‌شود  
و سرانجام مجلس و دولت با شرایط  
خفت باری خواهان بازگشت اتمنا سبات  
ما قبل کروگان گیری با امپریالیسم  
آمریکا می‌گردند ، امپریالیسم آمریکا  
حتی به پیشنهادات مفتضح مجلس نیز  
تن درنداد . اما آقای نبوی با وقاحت  
هر چه تمام تر می‌گوید : " این مسائل  
برای ما ارزش سیاسی داشته یعنی اگر  
امپریالیسم آمریکا ترونها می‌کشد  
توسط شاه مزدور و خا بوا دهن از ایران  
در دیده شده است ، پس می‌دهد ، از نظر  
ایشان مسئله ای نیست ، صورت با بد

بفشار صفحه ۱  
وسریوش گذاردن برروری واقعیات  
چیز دیگری نیست .

اما از تمام صحبت‌های آقای نبوی  
چیزی که بواقعیات بیشتر نزدیک بود ،  
در پاسخ به سئوال خبرنگار انقلاب  
اسلامی ارگان جناحی از لیبرالها بود که  
وی با صراحت هدف و نقش گروگان گیری  
را در زور آزمائی دو جناح اصلی هیئت  
حاکمه یعنی لیبرالها و حزب جمهوری  
اسلامی بیان داشت .

ما در نبرد خلق شماره ۱ بتفصیل  
دلایل و عللی را که منجر به تسخیر  
جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا و مسئله

بزرگانگیری شد مورد بررسی قرار دادیم  
و جنبه‌های مختلف از جمله مبارزات  
توده‌ها ، ناراضیاتی روز افزون آنها از  
هیئت حاکمه سازشکار ، تضادهای  
درونی هیئت حاکمه و نقش ، اهداف ، و  
منافع آنها و ارزیابی این مسئله  
پرداختیم .

امروز بیش از پیش روشن شده است  
و توده‌های زحمتکش میهن ما دریافته  
اند که هیئت حاکمه پس از گذشت حدود  
۱۴ ماه از تسخیر جاسوسخانه امپریالیسم  
آمریکا ، بنام مبارزه با امپریالیسم  
توده‌ها را فریب داده است و امروز با  
شرایط خفت باری تسلیم امپریالیسم  
دشمنش آمریکا شده است .

واقعیات این است که امروز توده  
های زحمتکش میهن ما بخوبی  
در می‌یابند که تسخیر جاسوسخانه  
امپریالیسم آمریکا بعبوس آنکه مقدمه‌ای  
برای تشدید مبارزه ضد امپریالیستی  
مبارزه با سرمایه داری وابسته ،  
مبارزه با زمینداران بزرگ و تمام  
عوامل و ایادی امپریالیسم گردیده  
صورت اهرمی برای مبارزه و زور آزمائی  
دو جناح ضد انقلابی و ارتجاعی هیئت  
حاکمه یعنی لیبرالها و حزب  
جمهوری اسلامی در آمد .

توده‌ها بعینه می‌بینند که نه تنها  
مبارزه ای واقعا ضد امپریالیستی از سوی  
هیئت حاکمه صورت نگرفت بلکه  
حتی برای افشای چهره کریسه  
امپریالیسم دشمنش آمریکا در سطح  
جهانی از محاکمه جاسوسان نیز سرباز  
زدوسرا انجام از خواستهای قبیل از  
گروگانگیری نیز گامی به عقب گذاشته  
شد .

این مسائل بخوبی اهداف حزب  
جمهوری اسلامی را در مسئله گروگان گیری  
نشان میدهد . حزب جمهوری اسلامی در  
طی این مدت کوشید تا با در دست  
گرفتن این اهرم ، مواضع خود را در  
مقابل جناح رقیب خویش در سطح  
داخلی و ارگانهای اقتصادی و دولتی  
تقویت و تحکیم کند .

اکنون حزب گام بعدی را در اجرای  
امر تحکیم موقعیت خود در سطح جهانی  
بر داشته است و می‌کوشد تا با آزادی  
گروگانهای جاسوس مناسبات و روابط  
حسنا ی با دولت‌های امپریالیستی  
برقرار کند و بیژها بین امردر شرایطی  
برای حزب از اهمیت ویژه ای برخوردار  
شده است که از یکسو از همگسیختگی و  
بحران اقتصادی موجود و از سوی دیگر  
بروز جنگ و تالیخ حامله زان ،

مجلس در این مورد صرفا یک ارزش سیاسی  
داشته است .

آنچه که امروز امپریالیسم آمریکا  
در ازای ادعای میلیاردها دلار دولت  
ایران حاضر به پرداخت شده است ،  
میلیاردها دلار است که تازه نیمی از  
این پول بنام بازپرداخت وامها و  
بهره‌ها و امها مجددا به آمریکا باز خواهد  
گشت و حتما بقیه را نیز به خرید سلاحها  
و تجهیزات و سایر کارهای مورد نیاز  
شان از آمریکا اختصاص خواهند داد .

این است که رانامه دولتی کسب  
ادعای ضد امپریالیستی اش کوش همه را  
کر کرده است .

این است آنچه که دولت جمهوری  
اسلامی بنام مبارزه ضد امپریالیستی  
بخورد توده‌های مردم میدهد . مسئله  
دیگر اینست که آیا با حل مسئله  
گروگانهای جاسوس ، بحران روابط  
امپریالیسم آمریکا و دولت ایران  
بطور کلی حل خواهد شد؟ پاسخ منفی  
است ، زیرا بحران حاکم بر جامعه ،  
مبارزات توده‌های زحمتکش ، تضاد  
های درونی هیئت حاکمه به تسخیر  
جاسوسخانه آمریکا انجام میدهد ، که این  
امر بحران مناسبات دو دولت را تشدید  
کرد . ممکن است با آزادی گروگانها از  
حدت این بحران کاسته شود . اما تا  
زمانی که بحران کنونی بر جامعه حاکم  
است ، تضادهای درونی هیئت حاکمه  
عمل می‌کند ، و مبارزات توده‌های  
زحمتکش با حدت ادامه دارد ، بین  
اختلافات و درگیریها همچنان ادامه  
خواهد یافت آنچه که در این میان بیش  
از همه مطرح است ، مبارزات توده‌های  
زحمتکش است که بهیچ دولتی اعم از  
حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها  
اجازه ندهند ، در جهت بهبود مناسبات  
با امپریالیسم آمریکا و وابستگی هر  
چه بیشتر گام بردارد .

### دوست دارم همیشه پیشگام بمانم

دوست دارم پیشگام باشم . دوست  
دارم در این راه محکم و استوار گام  
بردارم . میدانم همیشه پیشگام  
باقی خواهد ماند ، چون همیشه به  
خلق متکی خواهم بود . دوست دارم  
قلیم آکنده از مهر به خلق و کینه به  
دشمنانش باشم . دوست دارم در هر  
لحظه پیشگام باشم . چشماتم درد  
خلق را ببیند . گوشها بیدم درد خلق را  
بشنود . درد خلقهای ستمدیده ایران  
را با پوست و گوشتم لمس کنم و به حکم  
ضرورت دوشا دوش و پیشا پیش خلق ،  
مسلم را برای نا بودیش به کار بگیرم  
دوست دارم رهنمودهای سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران را با  
خلاقیت بکار بربندم تا شایسته تمام  
"پیشگام" باشم . دوست دارم همیشه  
پیشگام بمانم . سازش نا پذیر و بی  
نفرتی عمیق از خیانت و خیانتکاران  
رهر و راستین راه پیروان را با ششم .  
با پیروان را با ایران و جهان عهد  
بستم همیشه پیشگام بمانم و پیشگام  
خواهم ماند .

ارنا مه یک رفیق فدائی

# جنگ و اعتلای نوین مبارزات کارگران

در کارخانه‌ها ۹۱ تا شش‌جنگ به سر مبارزات کارگران تا نیمه اول آبان ماه را بررسی کردیم. در این مقاله ضمن بررسی پروسه سه ماهه مبارزات کارگران به تجزیه و تحلیل مختصر آن می‌پردازیم.

در اولین روزهای جنگ، ستوده و وسیع کارگران را احساسات شونیشی فرا گرفت.

در میان لایه‌های عقب مانده و ناآگاه کارگران شور میهن پرستی افراطی همراه با تعصبات مذهبی شدت این احساسات آنچنان بالا بود که تمام فضای کارخانه را متاثر ساخته بود. کارگران با سرمستی و حتی با غرور تبلیغات میهن پرستی دروغی - سرما به داران را تکرار می‌کردند. موج وحدت طلبی در میان کارگران آنچنان گسترش یافته بود که پرده‌ساز تری بر روی مبارزات کارگران فروکش کرد. سرما به داران و دولت حامی آنها به بهانه جنگ قدم بقدم شرایط اختناق و سرکوب و وحشتناک کارگران را فراهم می‌کردند. آنها کوچکترین حرکت کمترین اعتراض کارگران را تحت عنوان "خدمت به خدا انقلاب"، "ستون پنجم" یا "خشونت سرکوب می‌کردند".

دولت و سرما به داران کوشش برای محدود کردن حقوق صنفی طبقه کارگران را فزونی بخشیدند. شلاق سلسله مراتب مدیریت، بخشنامه‌های وزارتین آئین نامه‌های انضباطی، برگزیده کارگران فرومی آمد دولت از کارگران می‌خواست که این وضع را بدلیل شرایط ویژه جنگ تحمل کنند اما هر چه بیشتر دامنه فلاکت ناشی از جنگ آشکارتر می‌شد. با رگران و کمبود مایحتاج اولیه زندگی، بردوش کارگران سنگینی میکرد. فقر تنگنای وسیع کارگران فزونی می‌گرفت جنگ موج بیکاری و اخراج و تعطیل کارخانه‌ها را شدت بخشید. کارگران شاغل نیز اذیت و خوار شدن به آنچه برای آینده نزدیک برایشان مقدور تا مین است از دست می‌دهند. سرما به داران از قوانین زمان جنگ بهره برده تا دهان کارگران را ببندند و صدای آنها را در گلو خفه کنند اما جنگ آموزشهای بسیاری را برای طبقه کارگران به ارمغان می‌آورد. آنها را در می‌یابند که سرما به داران جنگ را در جهت منافع خود رهبری می‌کنند. از یکسورا رتض سرکوبگر به بهانه جنگ تطهیر میشود هزینه تسلیحات به جیب سرما به داران و مهربان لیستهای سرازیر میگردد. با رنایشی از بحران را دولت

می‌خواهد بخرج تندهای وسیع کارگران و زحمتکشان تخفیف دهد. اما از سوی دیگر شوراها و واقعی آنها تحت فشار قرار میگیرند. مدیران لیبرال و "نجمن اسلامی هر کدام به شیوه‌ای مخصوص خوب دست اندر کار توطئه و سرکوب نمایندگان واقعی کارگران هستند هرگونه اعتراض و مبارزه کارگران بر علیه اجزای سرمایه داران سرکوب میشود با کوچکترین وا هم کارگران اخراج می‌گردند کارگران اینک در تجربه روزمره خود ماهیت، فریب‌جویی و سرما به داران و دولت جمهوری اسلامی را در دفاع از میهن! دریافته‌اند آنها در می‌یابند در حالیکه وضع اقتصادی روز بروز وخیم تر میشود با ریلای اقتصاد دیو بحران بردوش کارگران می‌افتد دولت بر حسب منافع طبقاتش نمیخواهد با رن جنگ را بردوش ثروتمندان قرار دهد. آری کارگران پی می‌برند که منافع طبقاتی آنها مخالف این جنگ است. مبارزات کارگران علیه اوضاع فلاکت با رکنونی شکل گرفته است. اعتراضات و مبارزات فزونی کارگران به مبارزات دسته جمعی تحت اشکال گوناگون تحصن و اعتصاب تکامل می‌یابد هر چه اعتراضات گسترده تر میشود و کارگران برای بهبود شرایط زندگی خود دست به عمل انقلابی می‌زنند جنگ فرا موش میشود. و از میزان شور میهن پرستی افراطی کاسته میگردد. دیگر تبلیغات دولتی جمهوری اسلامی رنگی ندارد مبارزات کارگران در آبان، آذر پراکنده و غیر متشکل است اما آنچه که قابل توجه است این است که کارگران مبارزه اقتصادی و سیاسی را تمام به پیش می‌برند آنها از یکسورا و بهبود اوضاع رفاهی و معیشتی شان مبارزه می‌کنند و از سویی دیگر صدای اعتراض خود را علیه جنگ به این یا آن شکل بلند کرده‌اند.

کارگران کارخانه‌های عظیم ایران ناسیونال و بنز خاور به کم کردن حقوق حقه شان برای جنگ به اعتراض برخاستند رویا روشی ناگزیر کارگران و کارفرمایان شدت بیشتری یافته است. کارگران کفش ملی اعتراض خود علیه مدیران را گسترش دادند آنها بر علیه افزایش حقوق مدیران دست از کار کشیدند و مدیران را مجبور به عقب نشینی کردند کارگران کفش ملی برای جلوگیری از تقلبات غارتگرانه سرما به داران در شرایط بحران و بیکاری دست به تشکیل کمیسیون تحقیق زده‌اند کارگران جیت تهران هم برای افشای اسرار معاملاتی

وسوء استفا ده‌های مدیران دست به تشکیل هیئت پژوهش زده‌اند.

اتحاد قدرتمند کارگران مسلسل سازی طرح توطئه مدیران را با بربر لشکری یا کشوری کردن کارگران که در واقع به کم شدن یک سوم حقوقشان منجر میگشت را در هم شکست اعصاب ۳۰۰۰ کارگران مسلسل سازی با ردیگر نشان داد که اتحاد کارگران میتواند سرما به داران را به زانو در آورد.

مبارزات کارگران جهت احتیاجات ضروری، مبارزه علیه افزایش ساعت کار و مبارزه علیه قطع مزایای ناچیز که جزئی از دستمزدها کارگران است بشدت از ج گرفته است سود ویژه که جزئی از دستمزدها چیز کارگران بود چند ماه پیش به تصویب شورای انقلاب به دو ماه پاداش تقلیل یافت مبارزه کارگران برای گرفتن سود ویژه در تعدادی از کارخانه‌ها شکل گرفته است. مبارزه کارگران کانادای با ردیگر ماهیت

وعده و وعیدهای دورغین دولت جمهوری اسلامی را آشکار ساخت کارگران این کارخانه در حالیکه برای گرفتن سود ویژه دست به تحصن زده بودند با یورش پاسداران مواجه شدند درگیری بین پاسداران و کارگران با لاکر فست پاسداران به سوی کارگران تیراندازی می‌کنند. در جریان این زد و خورد یک کارگر کشته و چند نفر زخمی می‌شوند.

کارگران شرکت باکسان در چند روز گذشته برای گرفتن سود ویژه دست به مبارزه زده‌اند.

کارگران، دیگر ماهیت وعده‌های پوچ مدیران لیبرال کارخانه را دریافته‌اند آنها جلوی کامیون خروج محصولات را می‌گیرند کارگران مضممانندتا گرفتن سود ویژه از مبارزه بازنا یستند.

کارگران دخیانیات نیز برای گرفتن پاداش که دواقع جزئی از حقوقشان است در دو ماه گذشته در انبار خروج محصول را بسته‌اند و اجازه خارج کردن محصولات را نمیدادند.

مبارزات کارگران مناطق جنگ زده برای گرفتن حقوق عقب افتاده اوج گسترده‌ای یافته است. از جمله کارگران بندر خرمشهر در تهران دست به راهپیمایی زدند و دولت جمهوری اسلامی هنوز به خواسته‌های کارگران پاسخ نداده است. مبارزه کارگران نفت جنوب جهت گرفتن حقوق و مسائل رفاهی به تحصن کشید آنها در بقیه در صفحه ۶

بساط "اضافه کاری اجباری" در کارخانه‌ها پرچیده شود!

# وزارت کار

## مسئول وضع اسفبار کارگران کارگمایی است

تعداد چشمگیری از کارگران ایران در کارگاهها مشغول به کار میباشند. این کارگران که غالباً پیش از طلوع آفتاب تا غروب آن برای بندست آوردن پول ناچیزی مجبورند زحمت بکشند، در شرایط طاقت فرسایی بسر میبرند. وضع بد شرایط محیط کار، از جمله نبود نور کافی، آلودگی هوا، و نبود وسایل ایمنی از یکطرف، و از طرف دیگر روزی ۱۲ تا ۱۴ ساعت کار، فشار بیش از حدی به این کارگران وارد میسازد. اکثر آنان خیلی مسن تر از آنچه که واقعا هستند نشان می دهند. آنها بیشتر اوقات از خانه و زندگی خود دور هستند. تازه زمانی هم که نزدن و فرزند خود میباشند فشار گرانی، کمبود اجناس، پول سنگین کرایه خانه، خرج مدارس فرزندان و غیره... کمربند ترا خرد می کنند. زندگی برای این کارگران واقعا بمعنی مرگ تدریجی است. آنها در محیط کار خود مجبورند هنوز در ابتدائی ترین خواستهای کارگری مبارزات زیادی را پشت سر بگذارند. شاید تعداد دکارگاهها شیکه روز کار ۸ ساعته داشته باشند از انگشتان دست فراتر نرود. حداقل دستمزد کارگران در کارگاهها اکثر اوقات نصف دستمزدی است که حتی وزارت کار (بخوان وزارت استثمار کار) رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرده است. استفاده از نیروی کار کودکان و زنان برای سود بیشتر بعد و فوری وجود دارد. وضع کارگران کارگاهی هیچ بهبودی نسبت به رژیم گذشته پیدا نکرده است. وزارت کار این رژیم هم نه تنها گامی در جهت خواستهای برحق این کارگران برنداشته بلکه همواره در خلاف آن نیز کوشیده است. معدود سندیکا های واقعی این کارگران که پس از قیام شکل گرفته بود، تاکنون چندین بار مورد یورش قرار گرفته است. تمام کوشش وزارت کار این بوده که محتوای انقلابی این سندیکاها را از بین برده و آنها را به ارگانی فرمایشی تبدیل نماید. اما اگر کارگران متحد باشند از این ارگانهای حاکمی سرمایه داری هیچ کاری ساخته نیست. آنها در مقابل اتحاد کارگران عاجز شده و بزبانومی افتند. و بالاخره اکنون که بدلیل شرایط جنگی پیش از گذشته کارگران تحت فشار قرار دارند، اکنون که وضع زندگی این کارگران روز بروز بدتر می شود، با تشکل خود در سندیکاها با بد اتحادی آهنگین از کارگران کارگاهی ایجاد نمود. کارگران مبارز سندیکاها وزارت کار را وادار نماید تا بندهای خود را بشکند و با سندیکای کارگران کفایش را بشکند.

خود نمونه هایی است که بیانشگر و وضع کارگران کارگاهی می باشد. نامها کارگران ارگانهای پوشاک تبریز که در واقع ظاب به وزارت کار میباشند برای نشریه کارفرستاده شده تا با درج آن در نشریه، مردم مبارزان از وضع این زنان زحمتکش مطلع شوند. اما زنان زحمتکش کارگاهی پوشاک تبریز با بدیدانند که تنها با تشکل خود در سندیکای مربوطه و اعمال فشار به وزارت کار از آن طریق است که موفق به کسب حقوق حقه خود خواهند شد.

### نامه عده ای از کارگران زن شرکتهای تولیدی

#### پوشاک زنانه تبریز

نشریه محترم کار

از نشریه کار که زبان گویای ستمکشان این جامعه میباشند میخوانیم که با درج این مطلب سایر کارگران استثما رشونده و مردم مبارزان ایران را از وضع کارگران زن شرکتهای تولیدی

پوشاک زنانه تبریز آگاه گردانند.  
"اداره محترم کار و امور اجتماعی آذربایجان شرقی"

احتراما ما عده ای از کارگران زن که در شرکتهای تولیدی پوشاک زنانه کار می کنیم صاحبان شرکتهای مذکور بدون در نظر گرفتن انسانیت و قانون کار که در مقابل هر ساعت کار برای هر کارگر مبلغ ۵۶۸ ریال در نظر گرفته شده است، به ما روزانه در مقابل ساعت کار روزانه مبلغ ۲۰۰ الی ۳۰۰ ریال حقوق میدهند که حتی پول کرایه ماشین و نان و پنیر ناچارمان راه تا مین نمیکند. لذا از اداره محترم کار و امور اجتماعی تقاضا می نمائیم تا با زبانی به این شرکتهای اعزام و از وضع اسفبار کارگران این شرکتهای تولیدی مطلع شوند که ما کارگران چگونه مورد بهره کشی این نامردمان قرار میگیریم. در ضمن خواهشمندیم که چگونه کارگران را از کارگران سؤال نمایند.

## بنام خدا



دوستان کارگرو: بیمه های اجتماعی یکی از مسائل با اهمیت در صنفا می باشد و اکثر کارگاههای کفای خصوصا در منطقه بازار کارگران از بیمه های اجتماعی برخوردار نیستند و بلحاظ آمیسی که مسئله بیمه برای کارگران دارد سندیکا از مدتی پیش با آماری که از صنف تهیه نموده توی که کارگران در این زمینه داد مصمم گرفت اقدامات موثر و فوری در این زمینه انجام دهد و چنانچه آمار تهیه شده نشان میدهد از هر یکصد کارگر که کفایش بیش از ۶ کارگاه از بیمه های اجتماعی برخوردار نیستند و آن تعداد از کارگاههایی که زیر پوشش بیمه قرار دارند و تا آنجا که مسئولین سندیکا مطمئن مدعی است کارمایان لیست بیمه کارگران را پرداخت نمیکند از این نظر هیئت مدیره سندیکا وظیفه خود دانست در زمینه بیمه های اجتماعی اقدامات قطع درسی انجام دهد.

یکی از عللهای که باعث گشته بیمه های اجتماعی در صنف بطور کامل پیاده نشود عدم پیگیری کارگران میباشد که لازم شد مزایای آن که کارگران با داشتن دفترچه بیمه های اجتماعی میتوانند از آن بهره مند گردند برای اطلاع بیشتر کارگران ذکر نمائیم

۱ - استفاده از امکانات درمانی ( برای خود و خانواده)

۲ - حق از کار افتادگی و پرداخت ۷۵ درصد حقوق ذکر شده در لیست بیمه همینطور در هنگام بیماری

۳ - گرفتن وام مسکن

۴ - دریافت حق اولاد ۱۹۰۵ ریال برای یک فرزند دو فرزند ۳۸۱۰ ریال بیش از دو فرزند نیز تعلق نمیگیرد.

برای استفاده از امتیازات و امکانات فوق از طریق بیمه های اجتماعی از کلیه کارگران کفایش دعوت مینمائیم روزهای شنبه ساعت ۳/۴ دقیقه بعد از ظهر جلساتی که بدین منظور تشکیل میگردد شرکت نمائید دوستان کارگر سندیکا خانه شما است و با حضور شما در سندیکا است که میتوانیم بر علیه سرمایه داران و زورگویی های آنان متحد اقدام نمائیم با شرکت فعال خود در سندیکا بکوشیم تا بتوانیم بر علیه اخراج، بیکاری، ... یکپارچه عمل نمائیم.

### با تشکل خود در سندیکا پایه های سندیکارا مستحکمتر گردانیم

هر چه مستحکم تر باد پیوند کارگران و زحمتکشان بر علیه امپریالیزم و سرمایه داران داخلی

آدرس: خیابان لاله زار چهار راه کنت پانزدهم صدری طبقه دوم

سندیکای کارگران کفایش تهران و حومه

# شورایا سندیکا

## کدامیک راهگشای مبارزات کارگران 'بایر' می باشد؟

وجود داشته است. " کارگران پیشرو بایر" با پخش تراکتی در این رابطه میگویند. " در جریان جلسه سندیکا و مسئله ایجا دمهدکودک شاهد بودیم که اعضای سندیکا چگونه در مقابل خواستهای برحق ما کارگران می ایستند. و بجای اینکه از منافع ما دفاع کنند، برای سرمایه داران و دولت حامی آنان دل میسوزانند. آنها از اینکه قسمت ناچیزی از سود کلان کارخانه (حاصل دسترنج ما) بجای روان شدن در جیب سرمایه داران، برای کارگران خرج شود، برآشفته شده و مانع ایجا دمهدکودک برای کارخانه می شوند."

پس از این افشاء گری برعلیه نمایندگان سندیکا، در هفته اول آذر ماه در سالن غذاخوری، یکی از نمایندگان سندیکا همچون ما رزخم خورده پس از اشاره نفرت باری به تراکت کارگران پیشرو" میگوید: "قضیه مهدهکودک تمام شد. قرار شده با مهدهکودکی در بیرون کارخانه برای مدت ۶ ماه قرارداد ببندیم. و در این ۶ ماه ما سعی خواهیم کرد مهدهکودکی در کارخانه درست کنیم. هزار تومان این مبلغ توسط کارخانه و ۲۵۰ تومان توسط خود کارگران باید پرداخت شود." بدین ترتیب کارگران موفق می شوند پس از مدت ها این خواسته برحق خود را به مدیریت تحمیل کنند. اما دو هفته بعد نمایندگان سندیکا در جلسه ای میگویند:

"موضوع مهدهکودک را ما کاملاً به مدیریت سپردیم. می خواهد قرارداد ببندد و یا اینجا مهدهکودک درست کند و یا هر کار دیگری که می خواهد انجام دهد." آنها بدین طریق مجدداً "خود را در موضع بیطرفی قرار داده و با بین تربیت دست مدیریت را با زنگار دندتا هرکاری می خواهد انجام دهد.

۳- و بالاخره سومین مورد نوعی تفتیش عقاید و ایجا دخواستناقی درون کارخانه است که توسط سندیکا صورت میگیرد. روزشنبه ۲۲ آذر ماه اعلامیه ای به دیوار دستشویی چسبانده می شود. قضیه به گوش نمایندگان سندیکا می رسد. یکی از نمایندگان ناگاه سندیکا بلافاصله وارد میدان می شود.

بقیه در صفحه ۶

بکنیم فردا مملکت شلوغ شود این کارخانه اعتراض کند، آن کارخانه اعتراض کند. راستش را بخواهید من حوصله رفتن به دادگاه آقای خلخالی را ندارم." مدیر کارخانه که در حقیقت با گفتن این سخنان می خواهد از پرداخت سود ویژه طفره رود و خود را از زیر ضربات اوج یابنده مبارزات کارگران نجات دهد، ناخواسته به افشای حاکمیت می پردازد. او می گوید "منی خواهیم نظماً بهم بزنی" نظمی که توسط شورای انقلاب به تصویب رسیده است. "نظمی" که کارگران را به اعتراض و مدیران و کارخانه داران را به حمایت کشانده است. مدیر کارخانه بخوبی میدانند سنگرش قدرت حاکمه موجود است و با توسل به حیلله های چون "دادگاه خلخالی" می کوشد بهر نحوی شده سود بیشتری از کارگران بدست آورده سندیکای کارخانه که با اصطلاح سنگر کارگران نیز هست جز قرقره کردن حرفهای مدیریت چیز دیگری نمی گوید، آنها تکرار می کنند "ما تلاش خود را کردیم ولی قادر شدیم بر خلاف هیئتی که قانون می گوید عمل کنیم" اعم از اینکه در بین این نمایندگان افرادی با حداقل صداقت وجود داشته یا نداشته باشند، آنها می خواهند مبارزات کارگران را در چارچوب قانونی محدود نمایند. در شرایطی که در وضعیت بحرانی کنونی، ارگان شکل کارگران در یک کارخانه باید ارگان اعمال اراده مستقیم آنها باشد. بجز آن موجود در جا مع بحرانی قانونی نیست. اکنون دفاع از منافع کارگران باید عملی بحق، منطقی و انقلابی باشد. عملی در چارچوب قانون. نمایندگان موجود در این سندیکا بحرفهای کارگران خوب گوش می دهند. اما اجرای آن را در واقع از مدیریت انتظار دارند. آنها ناقلین خواستهای کارگران به مدیریت و مدافع تصمیمات مدیریت در مقابل کارگران می باشند.

۲- در مورد مهدهکودک: در این کارخانه همچون اکثر کارخانه های دیگر زنان تعداد زیادی از کارگران را تشکیل می دهند، مهدهکودک نیز یکی از خواستهای مبرم می باشد. بدنبال درگیریهای طولانی یک بیسن کارگران از یک طرف و مدیران و سندیکای کارخانه از طرف دیگر

در این کارخانه نیز همچون اکثر جاهای دیگر پس از قیام شکوهمند خلق کارگران شورای خود را ایجاد نمودند اما از آنجا که این شورا نتوانست حرکتی در جهت منافع کارگران انجام دهد، چند ماه پیشتر دوام نیاورده کارگران که در بیدار شدن شکلی برای تحقق خواستهای خویش می گشتند، به سندیکا روی آوردند از آنرو که در قبل از قیام هم در این کارخانه سندیکا وجود داشت کارگران بدون بررسی علل عدم حرکت فعال شورا به نفی آن پرداخته و سندیکا را جایگزینش کردند. البته نباید تبلیغات عوامل ضدشورا و رویزیونیستهای مبلغ سندیکا را در این رابطه فراموش کرده اکنون که سندیکای بایر تنها ارگان تشکلی توده کارگران آن کارخانه میباشد، ضعف خود را در پاسخوشتی به خواستهای کارگران آشکارا بنمایش گذاشته است. ضعفی که اساساً بعلمت فعالیت در چارچوب صرفاً قانونی آنها میباشد. بدین ترتیب مسائل کارگران بایر در چند ماه اخیر هیچیک بطور قطعی پاسخ داده نشده است. مبارزات کارگران به طرق گوناگون ادامه دارد نمایندگان سازشکار سندیکا سدره، مبارزات کارگران شده اند.

۱- در مورد وظیفه کارگران پیشرو و کارخانه است که در جهت راهگشایی و حل این مشکلات با تمام قوا بکوشند. ما پیش از آنکه به چگونگی حرکت در این زمینه بپردازیم لازم است به چند مسئله موجود در کارخانه و حرکت سندیکا در آن رابطه نظری بیا فکنیم:

۱- در مورد سود ویژه: پس از لغو قانون سود ویژه توسط شورای انقلاب، کارگران کارخانه بایر نیز همچون اکثریت کارگران ایران ناراضی خود را بطرق گوناگون ابراز داشتند. این اعتراضات بنا آنکه در آغاز جنگ قدری آفت کرده بود اما در یکی دو ماهه اخیر مجدداً شدت گرفته مدیر کارخانه (دکتر بهروان) که قانون مصوبه شورای انقلاب را بهترین پناهگاه خود یافته است. سرسختانه مدافع قانونی عمل کردن شده است. او میگوید:

"ما به هیچوجه بیشتر از دو ماه قانونی به کسی نمی دهیم. ما نمیخواهیم در مملکت نظم را بهم بزنیم. بیا شیم امروز اینکار را

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است!

● شعری از یک رفیق کارگر

بنویسید  
این شکم گرسنه ما را  
این زیر زمین نمور  
این کودک پا برهنه ما را

بنویسید  
ما در کوره های آجر پزی  
ما در کارخانه شیشه سازی  
ریه هاییمان را از دست داده ایم

بنویسید  
ما خانه نداریم  
ما آب نداریم  
ما برق نداریم  
و پنجره کوچک ما شیشه ندارد.

بنویسید  
از یک اتاق دومی بنویسید  
وهشت شکم گرسنه

بنویسید  
همه قلب خشمگین ما را  
بنویسید  
به ما خیانت کردند

بنویسید  
همه کشته شدگان  
از ما بود  
ما گرسنه ها  
به تنگ آمده ها  
جان به لب رسیده ها

بنویسید  
ما هنوز هم گرسنه ایم  
وهنوز  
نه آب داریم  
نه خانه  
ونه برق

بنویسید  
غذای شب عید ما  
مشتی سیب زمینی سرخ کرده است  
وا زروزی بنویسید  
که چون سیلی بی ما ن  
از هسه دخمه ها بی ما ن  
بیرون خوا هم آمد

بنویسید  
بنویسید

سندیکا یا شورا

بقیه از صفحه ۵

اوجنده نفر از کارگران زن را مشکوک اعلام می کند و عنوان می نماید که باید کمدها پیشان را بگیریم. کارگران مذکور اعتراض می کنند و با نماینده سندیکا درگیری می شوند. در پی این درگیری سندیکا اعلام می کند "اصلاً کمدهما را می گردیم. با زرسی کمدها آغاز می شود. اما برای اعتراض شدید کارگران، این عمل در نیمه راه متوقف می ماند. نماینده مذکور که می بیند در بهار با زرسی کمدها نیست و مدیریت کارخانه هم نتوانست ضامن انجام این کارها بشود. از شدت عصبانیت خودش و زمین وزمان را به فحش می کشد.

اکنون که با برخی مسائل موجود در این کارخانه آشنا شدیم و عملکرد سندیکا را در آن زمینه ها نشان دادیم به وظیفه کارگران آگاه و مبارز در این کارخانه و تمام کارخانه های دیگر نظیر آن می پردازیم.

مهمترین مسئله پیشروان در این کارخانه، کوشش در جهت ایجاد ارگان انقلابی برای شکل کارگران می باشد.

همین جا دو سؤال مطرح می شود: اول اینکه آیا سندیکای موجود را باید منحل کرده و به ایجاد شورا پرداخت؟ و یا اینکه تنها با اتکا به سندیکا و رادیکال کردن آن از ایجاد شورا صرف نظر نمود؟ پاسخ ما به هر دو سؤال منفی است. اولاً که ایجاد شورا در یک کارخانه هیچ منافاتی با وجود سندیکا در آن واحد ندارد، ثانیاً که این سندیکا را هر چند هم رادیکال کنیم باز هم قادر به پاسخگویی مسائل موجود در کارخانه نمی باشیم. زیرا سندیکا - نه سندیکای سرخ - ارگان شکل کارگران برای فروش بهتر نیروی کار است. ارگان است برای دفاع از نیروی کار در مقابل سرمایه دارگانی که کارگران را به مثابه مزدبگیران متشکل می کند. اما در شرایطی که بحران جامعه ای، میل به درهم ریزی مناسبات تولیدی بنماید، کارگران نه به مثابه مزدبگیران، بلکه همچون تولید

کنندگان با یکدیگر متشکل شوند. در چنین شرایطی سندیکا به تنهایی قادر نیست، کارگران را متحد و متشکل در مبارزه هدایت نماید. در چنین وضعی مبارزات کارگران نه در زمینه شکل برای فروش بهتر نیروی کار، بلکه الزاماً از کانال دخالت در تولید و شکل برای ارائه نظم جدید تولیدی می گذرد. و این مسئله امکان پذیر نیست مگر با شکل کارگران در محل تولید، در کارخانه ها و غیره، یعنی ایجاد شوراهای در شرایط کنونی کارگران به ارگان متشکل خود درون کارخانه ها، در محل تولید و همزمان با تولید نیاز دارند. ارگانی که بر تمام امور جاری داخل کارخانه از قبیل تولید، حسابرسی و غیره... نظارت داشته باشد. ارگانی که به مقابله با خودسریهای مدیریت است پرداخته و بدفاع انقلابی از منافع کارگران برخیزد. این ارگان فقط شورا می باشد.

بفرض اینکه سندیکای کارخانه با یریک سندیکای انقلابی هم می بود باید در این شرایط به تشکیل شورای کارخانه اقدام می نمود. تا هر دو با هم به شکل و مبارزه کارگران برای احقاق حقوقشان می پرداختند. اما سندیکای کارخانه با یریک سندیکای انقلابی نیست. رسالت ایجاد شورای کارخانه نمی تواند در شرایط کنونی بعهد این سندیکا باشد. کارگران با عمل مستقیم خود باید به ایجاد چنین ارگانی بپردازند. علاوه بر این کارگران اینگونه کارخانه ها و وظیفه دومی نیز دارند: و آن اینکه با اقدام انقلابی خود نمایندگان سازشکار سندیکار را بیرون کشیده و نمایندگان واقعی جایگزینشان کنند.

اما اینکه در آنها بیت کدما میک از این دوارگان، شورا یا سندیکا با یسد اولویت بیشتری را برای هدایت مبارزات کارگران داشته باشد، به اعتقاد ما سندیکای این کارخانه باید رهبری شورا را بپذیرد. ضمن آنکه باید توجه داشت از این مسائل نمی توان دم بخورد. ممکن است در شرایطی عناصر غیر انقلابی در شورای کارخانه نفوذ

جنگ و مبارزات

بقیه از صفحه ۳

دهکده المپیک ساکن شدند با ساران - برق و سوخت خانه های مسکونی آنها را قطع کرده اند شورای سراسری کارکنان مناطق جنگ زده با صدور قطعنامه به دولت اولتیماتوم دادند که اگر به خواسته هاییشان رسیدگی نشود دست به اقدامات دیگری می زنند.

کارگران طرح توسعه تلفن

برای گرفتن حقوق عقب افتاده - همراه با تشکیل شورای واقعی همچنان ادامه داردا و ج گیری و گسترش جنبش کارگری با مبارزه کارگران علیه نمایندگان سازشکار شوراها شکل جدی - تری بخود گرفته است به همراه آن شوراها در جهت رادیکالیزه شدن به پیش می روند.

مبارزات کارگران ارج، ابرالکو، پرسپولیس و قزوین

ها می هستند که نشان می دهد کارگران در جهت تشکیل و ایجاد شوراهای واقعی خود به پیش می روند در این مرحله نطفه های آگاهی از مبارزات کارگران قوی تر و با رورتر شده است نمودند سرمایه داری در مبارزات کارگران و رادیکال تر شدن شورا می داند این نظر است کارگران در تجربه عملی به تدریج و روز بروز آگاه تر میشوند این واقعیت در سه ماه اخیر بوضوح آشکار گشته است به این ترتیب مبارزات مستقیم و آشکار بخش وسیعی از توده های کارگر نشانگر اعتلای نوین مبارزات طبقه کارگر ایران است.

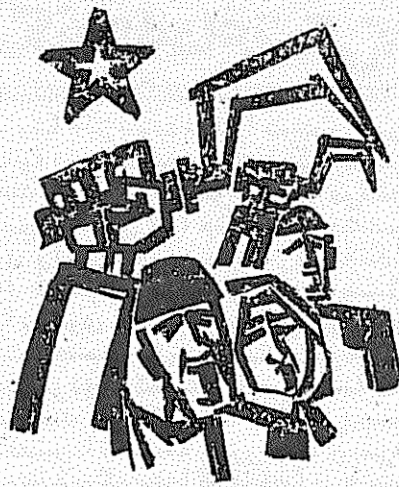
نمایند. آنوقت وظیفه نمایندگان واقعی متشکل در سندیکا است که رهبری مبارزات کارگران را بعهده گرفته و پیش از هر چیز با ایجاد شرایط برای انتخابات مجدد، نمایندگان واقعی کارگران را به شورا بفرستند. اما در تمام این گش و قوس ها یک چیز را نبا بدفرا موش کرد: ایجاد شورا در کارخانه ها ضرورت حیاتی جنبش کارگری در این مقطع می باشد.

## ● مبارزات پیروزمندانه روستائیان شوک و کار - شکنی های ارگانهای جمهوری اسلامی

روستای شوک از توابع رودسر بوده و یکی از روستاهای نسبتاً بزرگ این شهر می باشد. فاصله این روستا تا جاده جیرکول حدوداً ۲۰ کیلومتر است و بعنایت زمینهای مرغوب این روستا، محل تجمع اکثر اربابان و خانهای منطقه نیز بوده است.

جمعیت این روستا نزدیک ۳۵۰ نفر (۶ خانوار) است، و جزئیات مدرسه روستا از هیچگونه امکانات رفاهی دیگری برخوردار نیست. تولیدات عمده این روستا از طریق باغداری و کشت کاری بدست آمده و فندق و گردو، گندم و جو، ... می باشد. تولیدات عمده خود روستائیان از طریق کشت کاری بدست آمده و عمده زیاده از داشتن باغ فندق بی بهره اند. زمین های کشاورزی عمدتاً "در دست خورده" ما لکین بوده و با ابزار سنتی کشت می گردد. درصد کوچکی از جمعیت روستا را کارگران شهری تشکیل می دهند. چند باغ بزرگ این روستا متعلق به چند باغدار بزرگ است و به ترتیب مساحت آنها برابر ۱۰، ۴، ۳ هکتار دارد. این باغداران برای جلوگیری از هجوم روستائیان به باغبان اجازه داده اند.

در این روستا، بعد از قیام مبارزات زیادی بوقوع پیوسته است. ولیکن، مبارزه روستائیان ریشه در سالهای قبل (۴۸) دارد. در آن سالها مبارزه روستائیان به سبب سرکوب شدید بی افرماند، بعد از قیام با همراهی عناصر آگاه، مردم تصمیم به برداشت محصول باغهای اربابها گرفته همچنین ادعای مالکیت پدری باغ آنان را نمی نمایند. بدین منظور روستائیان نمایندگان از بین خود انتخاب نموده و نزد حاکم شرع رودسر می فرستند. حاکم شرع رودسر نیز با دیدن شکل و روحیه مبارزان دهقانان عقب نشینی کرده و مجبور به دادن حکم می شود که بدینوسیله روستائیان بتوانند فقط در آن سال فندقهای باغها را برداشت نموده و چگونه حل مسئله را در سال بعد به دولت واگذارند. با رسیدن تابستان سال ۵۸ دهقانان فندقها را چیده و بین خود تقسیم می نمایند و بر باغها نیز می گویند " شما نیز فندقها را بچینید و به ارباب نیز اجازه نپردازید." تابستان سال ۵۹، هنگام برداشت محصول باغها را قرا می رسد. دهقانان



## گزارشهای روستائی

با ردیگر نزد حاکم شرع رجوع کرده و وی بنا به ما هبتش به دهقانان می گویند شما دیگر حق ندارید فنندقهای مردم را چیده باغها را تصرف کنید. دهقانان به حرف های او توجه ننموده و می گویند: " ما دوباره فنندقهای باغها را خواهیم چید". در پی این امر دادگاه انقلاب، چند نفر از نمایندگان را دستگیر کرده و به زندان می اندازد روستائیان حاکم شرع را تهدید می کنند که در صورت حبس نمایندگان خود آنها جلوی دادگاه محضن خواهند نمود، وی نیز در اثر فشار روستائیان مجبور به آزاد کردن نماینده آنان می شود. بعد از این کار شکنی ارگانها، دهقانان از پای ننشسته، دوباره فندق باغهای اربابان را می چینند و به باغها می گویند که شما نیز هیچگونه اجازه ای به اربابها نپردازید. مبارزه در این روستا چنان اوج می گیرد که باغها مجبور می شوند در خفا به اربابها اجازه نپردازند و فنندقهای روستائیان شوک چنان بالامی گیرد که خانه ارباب را به آتش می کشند. انعکاس این حادثه در روستاهای دیگر باعث شد که روستائیان کره گوا بر نیز به این کار مبادرت کنند. اربابها نیز بدنبال این وقایع به شکایاتی علیه دهقانان دست زده اند که هیچ کاری از پیش نبرده اند.

## ● زحمتکشان روستای "خضرو" شورای مورد نظر خود را انتخاب کردند

روستائیان با مقاومت و اتحاد، نمایندگان تحمیلی را نپذیرفته و نمایندگان واقعی خود را برگزیدند. روز پنجشنبه بتاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۷ عده ای از طرف ستاد مرکزی از انتخابات

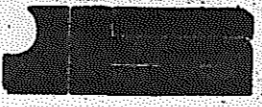
استان آذربایجان روستای خضرو از توابع عجب شیر آ مدنه تا انتخابات شورای اسلامی ده را انجام دهند، و از روستائیان خواسته شد که در حدود ساعت ۴ بعد از ظهر در مسجد جمع شوند. هنگامی که روستائیان در موعد مقرر در مسجد جمع شدند، "شورایان" که با چند پاسدار مسلح آمده بودند در مسجد را از پشت بسته و اساساً تمام روستائیان حاضر در مسجد را نوشتند. قبلاً از انتخاب نمایندگان "شورایان" اعلام کردند که سائیکه انتخاب میشوند نباید در رژیم گذشته فعالیت کرده باشند. اما وقتی ۱۰ نفر کاندیدا بوسیله خودشان معرفی شده معلوم گردید که همه از بالانشینان مسجد بوده و اغلبشان نیز در رژیم گذشته با ساواکی و خبرچین بودن و یا رستاخیزی. روستائیان اعتراض کردند و رئیس پاسداران دست به تهدید و ارباب و توهین زد. او گفت هر کسی از مسجد بیرون برود "ضدانقلاب" است. دستگیر میشود اما سرانجام در مقابل مقاومت و اتحاد دویکیا رچگی روستائیان مجبور به عقب نشینی شد و روستائیان ده نفر از اشخاص مورد اعتماد خود را بعنوان کاندیدا معرفی کردند. انتخابات انجام گرفت و در نتیجه شورای محترم روستائیان از بین زحمتکشان روستا انتخاب شد.

## ● خوش نشینان روستاهای سرمایه و سیدان (شوشتر): نمی گذاریم یک متر زمین هم در دست مالکان باشد

خوش نشینان روستاهای سرمایه و سیدان (از روستاهای شوشتر) موفق شدند در سایه اتحاد و مقاومت، زمینهای مالک را مستقلاً و بمنفع خود کشت کنند.

خوش نشینان در روستای "سرماله و سیدان" پنجاه هکتار از زمینهای زمینداران را مصادره کرده و با برنامه خاصی مبارزه به کشت آن کردند. این زحمتکشان قرا رگذاشتند و بتدا خوش نشینان روستای سرماله قسمتی از زمین را بکار بردند و خوش نشینان روستای سیدان از آنها پشتیبانی کردند و به بعد بقیه زمینها را خوش نشینان روستای سیدان بکار بردند و خوش نشینان روستای سرماله از آنها پشتیبانی بکنند. روز چهاردهم آذر حرکت آغاز شد خوش نشینان که پیش بینی میکردند با تهاجم مالکین این دوروستا (عسگری - کریمی - موسوی) مواجه خواهند شد، با چوب و بیل آماده دفاع بقیه در صفحه ۸

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



همچنین شخص دیگری بنام هاشم وجود دارد که معاون کجوشی (رئیس زندان) است، هاشم یک لقمین تمام عیار است او وحشیانه زنان را آعم از هیا سی و غیرسیاسی کتک میزند، یکی از اشکال شکنجه در این زندان اعدامهای مصنوعی است که از شکنجههای روحی بسیار وحشتناک می باشد، یکی از مادران هوادا رجا هدین در نتیجه سیلی ای که کجوشی به گوشش زده شنوای خود را از دست داده است. یک زن آبتن هم در شرکت خوردن سقط جنین کمرده است. اخیرا مادران زندانیان را که اعتراض کرده بودند، دستگیر کرده مدتی در توالی انداخته و برق را قطع کرده و روز بعد برای تنبیه آنها به هر یک از آنها بین ۱۵ تا ۲۵ ضربه شلاق زدند. دختری از هوادا ران مجاهدین بر اثر شکنجه یکی از دستهایش فلج شده است. مطابق گزارشی از یکی از زندان های شمال قاسم شهر، پاسداران، مأمور زندان دختران زندانی را بجرم آنکه سرود میخواندند با پوتین و چوب شیدا کتک میزدند.

قطعات فوق که از گزارشات رفقا نقل شده، مشتکی از خروارها مسوردی است که در اختیار ما و سایر نیروهای مترقی و انقلابی است. اینها بیابا نگر این واقعیتند که شکنجه و اذیت و آزار نسبت به مبارزینی که بخاطر پیروزی زحمتکشان میهن ما و بخاطر مبارزه علیه امپریالیسم با زدا شده اند، در تمام مراحل، دستگیری، انتقال، بازجویی و حتی پس از محکومیت با شدت اعمال میشود. اکنون باید پرسید آنجائی که هنوز صحبت از "شاه یعه" شکنجه میکنند، به این اعمال وحشیانه و خلاف انسانی چه نام میگذارند؟ ما در شماره های آینده به جنبه های دیگری در رابطه با مسئله شکنجه خواهیم پرداخت.

### شکنجه داغ فنگی که

زغال سیاه بود، نه می توانست راه برود نه می توانست بنشیند و نه می توانست بخوابد. دردا و رابه هر حالتی می کشید و در هیچ حالتی آرام نداشت. مسرد دیگری را گرفته بودند و بارها به شکنجه کشیده بودند. کارگرموزا شیک سازی بود با پیکری تکیده و سوخته، یکروز می آیند و چشمهایش را می بندند و می برند و به پیرمردی زندانی (پیرمرد با عصا راه می رفت) میگویند اینکه می بینی صدام حسین است. کارگر را نشان می دهد به پیرمرد میگویند اگر مسلمان هستی با ایدتا می توانی او را بزنی و پیرمرد با عصایش به جان کارگر می افتد! بطوریکه می بینیم این شکنجه ها اغلب در مراحل دستگیری و قبل از بازجویی و بمنظور تضعیف روحیه فرد دستگیر شده و سپس در جریان بازجویی ها برای گرفتن اقرار و کسب اطلاع بعمل آمده است. البته موارد بسیاری مشاهده شده که پس از اتمام بازجویی و حتی پس از صدور حکم هم شکنجه انجام گرفته است که در این موارد شکنجه ها جنبه تنبیهی داشته است. برای نمونه از زندان زنان گزارشی داریم که مبین این وضع است: "در این زندان گروه ضربت ویژه ای وجود دارد که ما مورس رکوب زندان نیان است. این گروه بطور وحشیانه برای زندانیان را کتک میزند، در شرکتی که این گروه به یک زندانی سیاسی زده اند، این زن بمدت ۲ ماه در بیمارستان بستری بوده و جای پاشنه پوتین روی سر و صورت او باقی مانده. همچنین در این زندان شخصی بنام مجتبی وجود دارد که مسئول شلاق زدن زنان است.

بقیه از صفحه ۱۰

مجبور شده بودند و بجهتشان را از بنیان بگذرانند و به هوا زبیا ورد، چها رده روز بود که دستگیرش کرده بودند. از زن و بچه ها پیش خبر نداشت.

مرد دیگری آنجا بود، یک پاندا شت عبدالامیر صدایش می کردند. زن داشت و یک فرزند بنام مهدی میگفت در دارخوین عراقی ها به مزرعه خربزه ها ش ریخته اند خوش را کشته اند و خربزه هایش را خورده اند. پاسداران هم او را بعنوان همکاری با عراق دستگیر کرده اند! میگفت نوزده روز است اسیر پاسدارهاست و در این نوزده روز بارها شکنجه شده است. پیرمردی شصت هفتاد ساله که صورت پرچین و آفتاب سوخته و پاهای کبره بسته و قاچ قاچش نشان مرارتی کهن بود میگفت عراقی ها دختر ما بردند، گاوها را کشتند و خوردند، خانه ما را خراب کردند، و وقتی عقب نشستند پاسداران آمدند ما هم دستگیر کردند و تا توانستند مرا کتک زدند. میگفت پاسداران میگویند تو صدام حسین را میخواهی!

مردی از اهالی مجیدیه سوسنگرد میگفت بارها شکنجه شده ام. میگفت میگویند عراقی ها که به ده رسیده اند من آنها را راهنما می کرده ام. ما بخدا عراقی ها اصلا به ده ما نرسیدند. آنها سی کیلومتری ده بودند.

چهار روز از زور و درم به این شکنجه گاه میگذاشت که چهار رفیق رزمنده با پیکرهای شکنجه شده آوردند. رفیق سی بسوی دستشویی رفت تا مشتی آب به صورتش بزند، اما از شدت شکنجه بی حس و صورتش نرسید با فتادوا زهوش رفت. تمام صورتش کبود بود و با دکرده بود. فکش خشک شده بود و تکان نمی خورد، یکی از دندانهایش را شکسته بودند، پشت رفیقی دیگر از بس شلاق خورده بود مثل

بدست آورده بودند به زورگوشی ما لکین و سپاه غلبه کنند و بقیه زمین را هم طبق برنامهای که خود ریخته بودند بکارند خوش نشینان پیروزی خود را جشن گرفتند و با دیگران این حقیقت مسلم را ثابت کردند که توده های متحد و متشکل همه چیزند و توده های نامتحد هیچ چیز.



## در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

با خوش آبپاری می کنیم" چرا این مالکین زورگوش و مفتخور را نمیگیرند بیاندازند زندان، چرا جلوی ما را نمیگیرند میگویند الان موقعیت برای این کارها نیست. باید فکر جنگ بود معلوم میشود جنگ برای اینها خیرو برکت داره، برای ما که جز فقر و فلاکت چیزی نداشته."

"خوش نشینان همچنین میگفتند" بچه های ما در جنبه هستند نه بچه های مالکین. بدبختی و گرانی و بیکاری را ما بردوش میکشیم ما لکین یک عمر مفتخوری کردیم و دیگه نمیگذاریم حتی یک متر زمین هم در دست آنها باقی بماند.

درگیری داشت شدت میگرفت که با لافزه توافق شده نماینده از خوش نشین ها و سه نماینده از طرف مالکین و سپاه پاسداران شوشتر رفته و قضیه را حل و فصل کنند. در آنجا نیز خوش نشینان از خواستهای خویش دست برداشته و از عمل انقلابی خویش دفاع میکردند. سرانجام آنها موفق شدند قدرتی که در ساپا تا دو همبستگی خود

### خوش نشینان روستاهای

بقیه از صفحه ۷  
از زمین که آنرا حق مسلم خود میدادند و مقابل به با زورگوشی زمینداران شدند. خوش نشینان سرمایه شروع به کشت زمین مربوط به خود شدند و در حالیکه تراکتور مشغول شخم زمین بود آنها دور تا دور زمین مراقب و آماده ایستاده بودند. مالکین عده ای از کشاورزان نا آگاه روستای سپیدان را تحریک کردند که اینها میخواهند زمینهای شما را بکارند و با تحریک و دسیسه چینی توانستند عده ای از کشاورزان نا آگاه را در مقابل خوش نشینان قرار بدهند. ما خوش نشینان با عزمی راسخ قصداً ما کشت را داداشند، کساکش و درگیری بین دو گروه شروع شد و سپاه پاسداران هم وارد جریان شد، خوش نشینان میگفتند "هرکس جلوی ما را بگیرد زمین را

# برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک



# شکنجه داغ ننگی که بر پیشانی جمهوری اسلامی نیز حک شده است!

بقیه از صفحه ۱

دولت جمهوری اسلامی هنگام تدوین قانون اساسی تحت فشار توده ها که سالها از شکنجه های رژیم وابسته به امپریالیسم شاه رنج برده بودند، ناچار شد در این قانون اصلی را درباره منع شکنجه بگنجانند، اما در همین اصل نیز استخوان لای زخم گذاشته شد! "خبرگان" این اصل را چنین تدوین کردند: "هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است." در این اصل تنها شکنجه ای که برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع اعمال شود ممنوع است نه شکنجه و اذیت و آزار به دلیل و باین ترتیب قانوناً راه را باز گذاشته اند که تحت عنوان تنبیه و یا مجازات شرعی (حدود و تعزیرات) انواع و اقسام بدرفتاریها و شکنجه را درباره بازداشتگان و زندانیان اعمال کنند. ما در همان هنگام تدوین قانون اساسی به این نقض آشکارا ابتدائی ترین حقوق مردم اعتراض کردیم و نوشتیم که تدوین چنین اصلی باین شکل عملاً زمینه را برای قانونی کردن شکنجه فراهم میکند.

قابل تذکر است این که نهوه بر خورد به مسئله شکنجه در زمانی است که اعلامیه جهانی حقوق بشر در اصل ۵ صراحتاً چنین مقرر میدارد: "احدی را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات بیارفتاری قرار داد که ظالمانه و بی اساس باشد."

بطوریکه دیده میشود این اصل کلیت دارد و ممنوعیت شکنجه و بیارفتاری ظالمانه را در هر موردی میداند و آنرا منحصر به گرفتن اقرار یا اطلاع نکرده است. بعدها مجمع عمومی سازمان ملل تحت فشار کشورهای غیر متعهد جهان تعریف جامع و روشن تری برای شکنجه بدست داد. در قطعنامه ۳۴۵۲ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ که همه اعضای سازمان ملل ملزم به رعایت آن هستند تعریف شکنجه چنین آمده است:

"شکنجه عبارتست از هر عملی که توسط یک مقام رسمی نسبت بیک فرد اعمال شود که موجب درد و مشقت او گردد. این امر (درد و مشقت) اعمال بدنی یا روحی و روانی می باشد. هنگامی (این عمل) شکنجه تلقی میشود که توسط یک مقام رسمی اعمال شود و این عمل برای اخذ اقرار یا کسب اطلاعات از فرد بازداشت شده و یا شخص ثالث باشد، یا شکنجه بعنوان مجازات و تنبیه در مورد فردی بطور عملی که انجام داده و یا متهم بآنست بکار برده شود و یا هدف شکنجه تهدید فرد یا اشخاص دیگر

باشد...".  
مقایسه ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و قطعنامه ۳۴۵۲، با اصل ۲۸ قانون اساسی نشان میدهد که تنظیم کنندگان قانون اساسی ماحتی حاضر نبودند ابتدائی ترین موازین حقوق بشر را که حتی حکومت های سرمایه داری هم ناچار به قبول آنند، در نظر بگیرند. اما عمق فاجعه با اینجا ختم نمیشود. مسئله بر سر اینست که دستگای هراسناک سرکوب و امنیتی جمهوری اسلامی حتی باین قانون نیم بند هم وقعی ننهادند! حقایق انکارناپذیر نشان میدهد که گنجاندن چنین اصلی در قانون اساسی مانع از آن نشده که دستگیرشدگان در مراحل بازداشت، انتقال، بازجوئی و بازپرسی و حتی پس از محکومیت از شکنجه شدن مصون بمانند. مردم شاهدند که ما مورین کمیته ها، پاسداران حکومتی که در حکم ضابطین دادگاههای انقلاب هستند برای اصل ۳۸ قانون اساسی تره هم خورد نکرده، و نمیکنند! واقعیت اینست که وجود قانون مسئله ای را حل نمیکند. مگر در زمان شاه اعمال شکنجه در با دو حجتناک و گسترده بعلت نبودن قانون بود؟ میدا نیم که در همان رژیم قانونی وجود داشت (که اکنون هم باین قانون معتبر است) که ما مورین قضائی و غیر قضائی دولت را از اعمال شکنجه منع میکرد و مجازاتهای سنگینی هم برای عاملین و آمرین شکنجه قائل میشد (ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی) اما همه این مقررات جز باریچه ای در دست رژیم نبود. و از آنجا نیکه رژیم ما هبتاً ضد خلق و با یمال کننده ابتدائی ترین حقوق مردم بود، از اینرو ما موران چنانیکار ساواک بدون بدون ترس از اجرای قانون و مجازات، با دست باز، دست اندرکار شکنجه بودند. آنها در کار خود فعال ما یشاء بودند و هیچ قدرتی باری ای مقابله با آنها را نداشت تمام موازین قانون و مقررات از جانب آنان به هیچ گرفته میشد. پس از قیام هم در رابطه با بازداشتها و اعمال شکنجه و اذیت و آزار با وجودیکه تفاهت و تهاشی با گذشته هست، ما موران بازداشت و بازجوئی عملدستشان باز است که هرکاری بخواهند میکنند. و از آنجا که هیچکس معارض آنها نبوده و آنها هم در مقابل هیچ مقامی جوابگو نبوده و نیستند به نحو خودکامهای عمل میکنند و باین وجود اصل ۲۸ در قانون اساسی هم دردی را دوا نکرده و ما مورین برای آن پیشگیری ارزش قائل نیستند.

شیوه های بازجوئی توام بسنا شکنجه های جسمی و روحی در جمهوری

اسلامی در همان ماه های اول بعد از قیام دستگیری مبارزان و انقلابیون بسا آزار و شکنجه توأم بود، ما مورین اذیت و آزار را بلافاصله پس از دستگیری شروع کرده و تا مراحل بازجوئی و بازپرسی آنرا ادامه میدهند.

انواع شکنجه های بدنی، شکنجه های روحی و روانی، اعدا مه های مصنوعی و... در مورد متهم بکار گرفته میشود. البته فرقی که با گذشته دارد اینست که ما مورین جمهوری اسلامی تازه کسار بوده و شکنجه ها هنوز بصورت سیستماتیک عمل نمیشود و آلات و ابزارهای متعدد نیز بکار گرفته نمیشود (هر چند مواردی دیده شده که شکنجه های سیستماتیک هم بکار برده شده و این نشانگر آنست که از ما موران با تجربه! نیز استفاده میشود).

بازداشت شده را از همان ابتدا که دستگیر میکنند برای ایجاد رعب و وحشت شروع به کتک زدن میکنند. پس از انتقال به ماشین بلافاصله روی سر او را پتویا گونی می اندازند تا کف ما شیبش میخوابد و نند با چشم های او را می بندند. در داخل ماشین از متهم با مشت و لگد "پذیرائی میکنند". پس از آنکه او را به کمیته یا یکی از "خانه های امن" کمیته برده، از هر طرف به متهم حمله کرده و او را به سختی مورد ضرب و شتم قرار میدهند. در اینجا انسان بی اختیار بیاد "طاق فوتبال" ساواک می افتد. همه این برنامها برای آنست که روحیه بازداشتی را ضعیف کرده و او را آماده بسرای بازجوئی کنند. و در این اوضاع و احوال است که بازجوئی آغاز شده و آزار و آدرس منزل، روابط و وابستگی سازمانی، اعتقادات سیاسی و... را میخوابند. اغلب دیده شده بازداشتی را که برای بازرسی خانه می برند در همان جا، جلوی اقوام و همسایگان مضروب کرده و مورد موهن ترین دشنامها قرار میدهند.

در باره اعمال شکنجه نسبت بسه زندانیان سیاسی و مبارزان انقلابی استناد ما به اسنادی است که رفقای ما در اختیار ما زمان گذاشته اند. اسناد دیگری که در نشریات نیروهای دیگر انقلابی نظیر مجاهدین بجای رسیده، پرونده ننگین اعمال شکنجه توسط جمهوری اسلامی را قطورتر میسازد. ما از میان ده ها سند موجود، تنها به انتشار چند نمونه از آنها بسنده می کنیم: رفیقی که ضمن بحث کردن جلوی یک بساطی دستگیر شده است مینویسد: "پنج پاسدار مرا گرفتند و بداخل

بقیه در صفحه ۱۰

## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۹

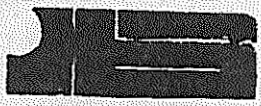
ماشین انداختند... در میان راه که می‌مدیم مرا بیک ماشین استیشن آهو منتقل کردند و در حالیکه جای خلوتی بود تحویل دهنده روگرد به پاسداران دیگر و گفت: این فدائی است ببریدش پایگاه تا من بیایم در میان راه در ماشین برخورد با پاسداران با من بسیار زننده بود، آنها مرتباً به کمونیست‌ها فحش میدادند تا اینکه یکی از آنها روگرد بمن و گفت: تو زن و بچه داری؟ در جواب گفتم بلی او گفت کمونیست‌ها زنهایشان را با یکدیگر عوض میکنند و مرتب فحش میدادند دیگران هم میخندیدند و هر کدام چیزی میگفتند. من در حالیکه از حرفها و عمل آنها بسیار به خشم آمده بودم، در داخل ماشین نزدیک بود با آنها گلاویز شوم، وقتی با اینکار موفق نشدم، شروع به اعتراض کردم و به پاسداری که از همه بیشتر به کمونیست‌ها فحش و ناسزا میداد که شایسته خودشان بود، گفتم: مواظب حرف زدن باش، در غیر این صورت ترا شناسائی کرده و اگر ستاره‌بشی و به آسمانها بروی پیدا ایت می‌کنیم و تلافی ناسزاها را که شایسته تو و دیگر دوستانت است خواهیم داد. بعد از یک ساعت به محلی که پایگاه یکم نامیده میشد رسیدیم... پاسدار در حالی که رو بمن نمود گفت این فدائی است و اینها هم یعنی دونفر بقیه از این پشتیبا نسی کرده و جلومردم به پاسدارها فحش میدادند، سینه‌شان را بالا زده و میگفتند با گلوله بزنین. و باز جو، در حالیکه هیچ حرفی از ما نپرسید شروع نمود به کتک زدن ما سه نفر ما شده بودیم مثل توپ فوتبالی زیر پای آنان، و هر کدام از کنار ما رد میشدند با مشت و لگدم را کتک میزدند. پس از مدتی دونفر دیگر را نمایانم آزا کردند و بجای دیگری منتقل کردند. و نوشت من شد. حالا با ۸ الی ۱۰ نفر پاسدارتنه‌ها ما ندم هر کدام که دستشان می‌رسید مرا بشدت میزدند و از نجا که من نا راحتی زخم معده داشتم، شروع به اعتراض کردم و وقتی دونفر از آنان فهمیدند من زخم معده دارم با شدت بیشتری تمام ضربات را به شکم وارد میکردند و هیچ حرفی برای توضیح دادن، بمن نمیدادند. در این مدت من به رفتار تمام پاسدارها دقیق شده بودم یکی از آنها که پسری تقریباً ۱۸ ساله بود، بنظر موء دب میرسید و ظاهراً که مرا میزدند نا راحت شده بود و سعی میکرد جلوی کتک زدن آنها را بگیرد. بعد از یک ساعت کتک زدن یکی از با زجوها مرا تحویل زنهایشان داد و گفت ببریدش ناگفته نما ندم در ضمن اینکه سه نفر با زجوا زن با زجوشی میکردند یکی از پاسداران بنیخبر اسلحه اش را که کلت بود روی پیشانیم گرفت و ماشه را چکاند، در حالیکه من (نا خود آگاه) تکان مختصری خوردم تمام آنها شروع کردند به خندیدن با صدای بلند. یکی

# شکنجه

از آنان میگفت: زکی چریک فدائی همینه؟ در حالیکه به سلولی منتقل شدم از پس تاریک بود متوجه نشدم که در سلول افراد دیگری هم هستند. حالیکه از شدت درد کتک‌های آنها نمیتوانستم روی پاهایم ایستم به شه‌ای خریدم و بعد از مدتی شروع به حوالپرسی با دیگر زندانیا ن کردم. پس از مدتی من ماندم و یکی دیگر از زندانیا ن، علت زندانی شدن او را سؤال کردم و اظهار داشت بجرم فروش شتریه کار. بلافاصله از او سؤال کردم اکثریت یا اقلیت. در جواب اظهار داشت اقلیت... هر دو به موضع یکدیگر آشنا شدیم و هر دو بسیار خوشحال شدیم و در حالیکه تاریکی مطلق سلول را فرا گرفته بود ما همدیگر را نمی‌دیدیم خیلی زود با هم رفیق شدیم. و در همان تاریکی صحبت می‌کردیم. حوالی ساعت ۱۲ شب بود که دونفریای سه نفری پاسدار آمدند و در حالیکه چراغ قوه به صورت ما دونفر انداختند از رفیق خواستند بروند بیرون و رفیق که بیرون رفت او را به پشت سلول بردند و آنقدر او را کتک زدند که صدای مشت و لگدمشان شنیده میشد و بعد از یک ربع کتک زدن درب سلول را باز کردند و او را به داخل سلول انداختند و بلافاصله من در تاریکی که هیچ چیز دیده نمی‌شد با حرکت دست، رفیق را پیدا کردم. رفیق را آنقدر زده بودند که یارای حرف زدن نداشت. و فقط در چند کلمه گفت: حال خوب است برو بخواب... و من که شیوه رفتار ساواک با انقلابیون را خوانده و شنیده بودم، رفتار ایشان را همان می‌دیدم. و تا صبح نخواهیدم و هر آن منتظر بودم که بیایند و مرا هم ببرند و همان کتکی را که به رفیق زدند به من هم بزنند... رفیق دیگری که پس از مدتی تعقیب شدن دستگیر شده نحوه با زجوشی را چنین تشریح می‌کند. توضیح آنکه این رفیق را بدون آنکه با او بگویند، از تهران به اصفهان برده و در آنجا با زجوشی را شروع کرده اند: چشم‌هایم را با ز کردند. شب را آنجا خوابیدم و صبح با زجوشی شروع شد. تا ظهر ۴ بار با زجوشی شدم. کتک زیادی نیز در این فاصله خوردم، زیرا مجبور بودم اقرار کمونیست بودن، هوادار بودن، فعال بودن و غیره شدم. روز بعد تعدادی زندانی آوردند. تنبیه بدنی درباره آنها بسیار سخت بود. با کابل کتف پاهایشان می‌زدند. پاهایشان پراز خون بود. دوروز بعد دوباره جهت با زجوشی به اطاق دیگر رفتم. با زجوشی پیرامون آدرسی بود که در روستاهای اطراف... با آنها داده بودم. ظاهراً هر چند رگشته بودند آنجا را پیدا نکرده

بودند. اما مکانات ارتباطی شان با تمامی شهرها برقرار نبود، (اکثر این مکانات از جمله بیسیم مخصوص ارتش بود) با زجوشی با کتک کاری تمام شد. پیرامون شما ره‌های گزارشات باز بعد از ظهرها نروزد اطاق خودمان در حضور بقیه بچه‌ها تنبیه بدنی شدم. ناگفته نما ندم که از یکشنبه شب اعتصاب غذا کرده بودم و از دوشنبه بعد از ظهر به بعد جز یکی دو مورد جزئی دیگر کتک نخوردم. ولی رفقا می‌رگه بتازگی آورده بودند مرتب شلاق می‌زدند و دولی آنها دم نمی‌زدند... رفیقی که در جنوب کشور در منطقه جنگ زده دستگیر شده تجربه زندان، شکنجه و با زجوشی‌های خود و همزنجیرانش را شرح می‌دهد: "بعد از مدتی از ریویا دهام کردند. گویا جلوی دری. بعد هر چند لحظه یکبار مرا بر است و بچپ می‌پیچانند و نگاه می‌گفتند سرت را خم کن، پایت را بلند کن. وقتی بیشتر پیش رفتیم فهمیدم آنها میخواهند او نمود کنند که داریم از دهلیزها و نقب‌های خوفناک می‌گذریم که جا بجا درهای آهنی محکمی دارند! که بی اختیار با شیوه‌های مزدوران رژیم شاه افتادیم و بتجربه رفیق یوسف زرگاری. یکراست مرا بردند و به سلولی انداختند و در ایستند و رفتند مدتی بعد آمدند و مرا با اطاقی بردند روی یک صندلی نشانند. چشمهایم بسته بود اطاق ساکت بود. لحظه‌های گذشت و بعد کسکی وارد شد. یکریز فحش می‌داد. گفتم آخر می‌خواهم بدنام برای چه مرا گرفته‌اید، چرا فحش می‌دهید؟ که ناگهان مشت و لگدم شروع شد. از صندلی پرت شدم و در همان حال فریاد زدم آخر چرا می‌زنین؟ وا و گفت چون همه شماها ما در قحبه هستید، شما کمونیست‌ها از دماغ خون بیرون زده بود گفتم ما مردم خدمت میکنیم. شما هر چه میخواهید بگوئید. گفت اگر حرف بزنی می‌کشتم، و باز مرا بسلول انداختند. صورت و لثام با دکرده بودا ینبار چشم بند را برداشته بودند و دست‌هایم نیز با زبود، شب با سلولهای کناری با احتیاط کمی حرف زدیم. همه عرب بودند. ساعت ۷/۵ صبح با صدای در سلول بیدار شدم. شب در سرمای سلول، با یک پتوی سربازی، روی کف نمناک خوابم برده بود. گفتند می‌توانم به دستشویی بروم. بیرون که رفتم زحیرت درجا میخکوب شدم در یک حیاط!! و در واقع در یک اطاق ۴x۳ بدون سقف حدود پنجاه زندانی پتوهای سربازی را دور خود پیچیده بودند و در هم رفته بودند. در گوشه‌ها بین حیاط که با اندازه یک غربال بود یک دستشویی بدیوار چسبیده بود و کنار دستشویی دری تنگ برآه روی کوچک مستراح بازمی‌شد. بوی گند حیاط کوچک را هروراً پر کرده بود. مردی از روستای دارخوین آنجا بود سخت شکنجه شده بود. خانهاش در حمله مزدوران عراقی فروریخته بود و او

بقیه در صفحه ۸



# سرمایه داران چگونه از جیره بندی سود می برند

پیدا نمیشود کوره های خارجی که هستند. اگر بنیر معمولی کم است بنیرهای رنگارنگ خارجی زیاد است، اگر ما بون ایرانی نبود ما بون خارجی را بقیمت گران تر میخرند.

بله ثروتمندان با تکیه بر قدرت پول و توانائی خرید خود میتوانند در شرایطی که فقط معدودی کالاجیره بندی شده است مواد مصرفی خود را تغییر دهند و از انواع دیگر مواد استفاده کنند؛ ما آیا کارگران و زحمتکشان امکان تغییر مواد مصرفی خود را دارند؟ آیا زحمتکشان میتوانند روغن ما زولابخرند آیا کارگران میتوانند در عوض سیگارها سیگار روینستون بکشند و آیا توده های مردم میتوانند گوشت تازه را کیلوئی شصت تومان بخرند؟ مسلمانان به پروشن است که چگونه جیره بندی اعمال شده بر اقلام معدودی از کالاهای مصرفی که آنهم بیشترین مصرف آنرا زسوی زحمتکشان است بیشترین فشا رکمبود و گران تر است دوش توده های مردم وارد می آورد.

هنگامی که به تمام این موارد پارتنی بازی، رشوه خواری و توزیع ناعادلانه بین شمال و جنوب شهر و دیگر حیلله های گشای بورژوازی را نیز بیفزاییم آنگاه بعد از ساله روشن تر میگردد. مسلم است که کارگران و زحمتکشان با دستمزد بسیار ناچیز خود قادر به رشنه و دادن نیستند. مسلم است، که کارگران و زحمتکشان نمیتوانند در

اداره ها، وزارتخانه ها، شهرهای وهرجای دیگر برای خود پارتنی بتراشند و مسلم است که اینها نیز پول برروابط جامعه سرمایه داری حاکم است.

تحت این سیاست ارتجاعی است که اولاً و بزیر سود سرمایه داران و تجار و محترکان افزوده تر میگردد، آنان با احتکار این مواد را که آن در بازار سیاه سودهای کلان و افسانه ای بجیب میزنند. ثانیاً ثروتمندان و سرمایه داران فارغ البال از جیره بندی به مصرف بی رویه و زندگی کثیف و انگلی خود مشغولند و حداکثر این است که سوزوسرما و خستگی صف را مستخدمین زحمتکش آنها تحمل میکنند و آنان با خیال راحت به مصرف میپردازند و در آخر توده های زحمتکش هر روز کمتر مواد مصرفی و ما بحتاج زندگی خود دست می یابند، هر روز زندگی مشکل تر و طاقت فرسا تر میگردد و هر روز با بد ساعات بیشتری را در مصرف گذرانند.

با تحمل این فشارها و با دیدن این بقیه در صفحه ۱۳

و سرمایه داران و بازاریهاست که از این محصولات لبریز است. مساله به چه صورت در می آید؟ کارگران و زحمتکشان واقشار فقیر و میانه مجبورند ساعتها در صف های طویل در انتظار جیره ناچیز مواد مصرفی خود بایستند در حالیکه ثروتمندان و سرمایه داران و توانگران ب راحتی ما بحتاج خود را از بازار آزاد (البته بقیمت گران تر) تهیه میکنند. کارگران که آه در بساط نداشتند ساعتها در سوزوسرما برای گرفتن سهم ناچیز روغن مصرفی خود می ایستند. اما ثروتمندان با خرید روغنهای خارجی و روغنهای مایع به قیمت کیلوئی ۳۰ تا ۴۰ تومان، هر روز غذاهای چرب تر و بهتری میخورند و در این میان جیب تا جران و محتکرین هر روز پروپرتیو تر میگردد و تخم مرغ که دیگر در محلات فقیر نشین حکم کمی را پیدا کرده است، در شمال شهر کیلوئی ۲۰ تا ۲۲ تومان ب راحتی خرید و فروش می شود، بودرلبا شوشی که بسختی و با ساعتها ایستادن در صف - آنهم بمقدار اندک بدست زحمتکشان میرسد - بسیاری ثروتمندان که میتوانند با بت هر قوطی ۱۸ تومان بپردازند و همواره آماده است و بنزین ب راحتی بقیمت لیتری ۱۰ تومان بدست می آید فقط کافیسیت بتوانسی کوپن سی لیتری را ۲۱۰ تومان بخری و بهمین دلیل هم می بینیم که در خیابانهای شمال شهر و در راه بندهای های موجود در صدا تومبیل های آخرین مدل بسیار بیشتر و بیشتر شده است.

مساله دیگر این است که ببینیم بر اثر جیره بندی اقلام معدودی از مواد مصرفی (که عمدتاً نیز مواد ضروری مورد نیاز زحمتکشان را تشکیل میدهد) بیشترین فشا رکمبود به چه کسانی وارد میشود؟ نیازی به بیان پاسخ این سوال نیست. زیرا که توده های زحمتکش به شدیدترین وجهی با گوشت و پوست خود المسم میکنند که بیشترین فشارها بشکل روزافزونی بر آنان وارد میگردد ما با دیدن چراچنین است؟ جواب مساله روشن است.

ثروتمندان و سرمایه داران حتی اگر مواد جیره بندی شده را اصلاح کنند به دست آورند (د رعین حال که نه تنها می توانند بلکه بسیار بیشتر هم بدست می آورند) باز هم کوچکترین غمی ندارند. اگر برنج گیر نیارند (که البته نسوع اعلی آنرا گیر میارند) جلوکبا بپرسی ۳۰ تومان میخورند، اگر روغن نبود شام را در رستوران میخورند، اگر چه برای هر نفر ۱۰۰ تومان خرج شود، اگر گران کم شد نان سوخاری که هست، اگر کره پاستوریزه

بحران اقتصادی و جنگ، دولت جمهوری اسلامی را وادار نمود تا با اصلاح سیاستهای درجهت بنظم درآمدن مصرف بکارگیرد. دولت برخی از ما بحتاج عمومی را جیره بندی نموده و به توزیع کوپن پرداخته است. در این سیاست که جهت حفظ و حراست سیستم بحران زده و سرمایه داری وابسته بکار گرفته شده است تنها چیزی که مدنظر قرار نگرفته است، منافع توده ها و زندگی فلاکت بار آنان بوده است. به همین علت است که کارگران و زحمتکشان هر روز بیشتر تحت فشار قرار میگیرند و تمامی مصائب و کمبودها و همه بازرگانی بردوش آنان فرود می آید. نا رضایتی اوج یا بنده توده ها از ایستادن در صفهای طویل در سوزوسرما و هدر رفتن ساعتها از اوقات روزشان، با زتاب این مساله است اما اساس مساله چیست؟ چرا در سیستم جیره بندی که از سوی دولت اعمال میشود بیشترین فشار بردوش توده ها است؟ علت اصلی این مساله در ماهیت دولتی است که جیره بندی را اعمال میکند. دولت بورژوازی در پیشبرد تمامی سیاستهای منافع سرمایه داران را حفظ و حراست میکند در نتیجه مسلم است که جیره بندی اعمال شده از سوی او نیز بمنافع آنان کوچکترین لطمه ای وارد نمی آورد. دولت بورژوازی که از قدرت گیری و اعمال کنترل توده ها وحشت دارد و در سیاست جیره بندی شرنیز توده ها کمترین کنترلی نخواهند داشت. در سیستم بورژوازی عامل قدرت پول است، نقش تعیین کننده با پول است و توانگران به هرکاری قادرند و در نتیجه جیره بندی اعمال شده توسط دولت بورژوازی نیز در مورد توانگران بشیوه ای دیگر عمل میکنند.

ببینیم مساله در شکل عملی خود چگونه انجام میشود. دولت برخی از اقلام مورد نیاز چون تخم مرغ، روغن، بودرلبا شوشی بنزین و... را جیره بندی کرده و توزیع آنرا بصورت کوپنی در آورده است و این مساله ای که به ذهن میرسد این است که مگر واردات و تولید تمام این محصولات در دست دولت است که او این سیاست را اعمال میکند، مگر تمامی واردات و تولید تخم مرغ تحت کنترل دولت است، مگر تمامی انبارهای روغن را دولت در دست دارد، مگر تمامی تولید و واردات پودر لباسوشی را دولت بعهده گرفته، مگر... جواب مساله مسلماً منفی است. دولت جیره بندی را اعلام نموده و سعی در اعمال آن داردا و واردات و تولید محصولات در دست سرمایه داران است. انبارهای تجار

## پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# سرمایه داران چگونه از جیره بندی سود می برند

بقیه از صفحه ۱۱

جیره بندی در خدمت خلق قرار میگیرد، زحمتکشان مواد بیشتری بدست میآورند، قیمت ها تعدیل میگردد و فشا رکمبود در سطح جامعه سرشکن میشود.

ما باید تمام می بین مسائلی را که توده ها توضیح دهیم. اما مساله دیگری این است که اینک و در شرایط فعلی چه سیاست عملی را میتوان پیش برد در این مورد باید گفت که در عین افضای وسیع حاکمیت و نیز فضای گام ماهیت ضد خلقی راه حل ارائه شده توسط لیبرالها و توضیح کافی و صورا نه راه حل انقلابی، در عمل رفقا باید سعی در سازماندهی شوراهای محلی و بدست گیری مستقل توزیع ما بحتا در محلات بنما یند. باید توده ها را که اینک در عمل از تقسیم ما بحتا توسط مساجد و بسیج و کمیته ها به تنگ آمده اند در عمل به رشوه خواری و پارتی بازی و تقسیم ناعادلانه آن می پردازند در شوراهای محله سازمان داد. باید توده ها را هر چه بیشتر بسیج و متشکل نمود و با استفاده از پشتیبانی آنان بر نهادهای دولتی چون کمیته ها، بسیج و... فشا رو آورده و توزیع ما بحتا عمومی در سطح محله را بدست گرفت. آنگاه است که میتوان در عین توزیع عادلانه (در محدوده عمل و در حد قدرت شورا) تمام می زدو بندهای پشت پرده، تمام می دزدیها و رشوه خوارها و تمام می کارشکنی ها و فشا رها را بطور کامل در بین توده ها افشا نمود و آنان را در این جهت بحرکت در آورد. از سوی دیگر شوراهای کارخانه ها نیز باید توزیع مواد مصرفی، و ما بحتا کارگران چون تخم مرغ، سیگار، مابون، پودر لباسشویی و... را در دست خود بگیرند و بدین طریق راه مفتخواری و سودجویی عوامل سر-مایه داری را ببندند.

با یدبه توده ها توضیح داد که اشکال در جیره بندی نیست، اشکال در دولتی است که این سیاست را بشکل ارتجاعی آن اعمال میکند، با یدبه توده ها توضیح داد که حتی اگر این دولت نیز میخواهد (که مسلما نه میخواهد و نه میتواند) می تواند با اعمال جیره بندی انقلابی به تعدیل قیمت ها و تعدیل فشار و وارد بر دوش زحمتکشان دست زند. باید توضیح داد که در جیره بندی انقلابی با ید تمام می کنترل در دست توده های زحمتکش قرار گیرد، با ید تمام می تولیدات، واردات و توزیع این مواد بشکل متمرکز بدست دولت باشد و با علنی بودن تمامی معاملات و خرید و فروش و حساب های تولید، توده ها برای اعمال دولت نظاره کنند. دولت باید ب مردم حساب پس بدهد، با ید همه انبارهای محتکران مصافحه شود. با ید تمام می زحمتکشان در تعاونی های مصرف متشکل شوند و اداره آن بدست شوراهای کارگران و زحمتکشان قرار گیرد. با ید کارگران و زحمتکشان کنترلی وسیع بر تمام می توزیع و مصرف انجام شده بخصوص مصرف شوتمند را اعمال نما یند. با ید همه کالاها بشکل عادلانه و از طریق تعاونی مصرف بین توده ها تقسیم شود و آنگاه است که

نا برابر ی ها است که توده ها در عمل بر ضد جیره بندی ارتجاعی دولت بسیج گشته اند و در هر صف، در هر مغازه و در هر خانه سخن از ضد مردمی بودن این سیستم است. و اما درست بر روی امواج همین نارضایتی است که لیبرالها قصد دارند سوار شوند و جهت حمله را بسوی کمونیست ها و سیستم کمونیستی و بسوی نیروهای که سرمایه داری را بزیر سوال میکشند برگردانند و در عین حال نیز زمینه را برای گسترش و تحکیم هر چه بیشتر و سریع تر روابط با امپریالیست ها آماده سازند. حاکمیت و نیروهای ارتجاعی بخصوص لیبرالها سعی دارند بسدروغ تصویری زشت و چندان آوار نظام سوسیالیستی در اذهان توده ها رسم کنند. آنها اینطور وانمود میکنند که سوسیالیسم یعنی کمبود جیره بندی دائمی، صف و زندگی کوپنی، با ید برای توده ها توضیح داد که فقط و فقط سوسیالیسم و در نهاییت کمونیسم است که رفاه اجتماعی و زندگی انسانی را برای کارگران و زحمتکشان فراهم خواهد کرد. در سوسیالیسم شکوفائی سریع و دائمی نیروهای مولده، رشد روز افزون صنایع و کشا و رزی، برنامهریزی اقتصادی و تولید مبتنی بر نیازهای جامعه و... تمام می عواملی هستند که سطح رفاه اجتماعی را بشکل روز افزونی ترقی می بخشند. سیستم سوسیالیستی با بر آورد صحیح و کامل نیازهای جامعه و برنامهریزی دقیق تولید در جهت بر آورد ساختن این نیازها، خواسته های معیشتی و رفاهی توده ها را بشکل روز افزونی تامین می کند. جیره بندی فقط در موارد معدود و ویژه ای چون جنگ، خشکسالی و... بکار بسته میشود و فقط در این شرایط است که جیره بندی انقلابی مبتنی بر تامین منافع توده ها، تقسیم و توزیع عادلانه هر آنچه موجود است و هر آنچه بدست می آید، بکار گرفته میشود.

# هیئت حاکمه و مسئله...

بقیه از صفحه ۱۵

بلوچستان، فارس و...). فتوا، تهدید و سرکوب نه تنها نتوانست از سیر صعودی "تجا و زوغصب و تصرف" اراضی توسط دهقانان جلوگیری کند، بلکه امیدیه تحقق وعده و وعیدهای دولت به تدریج در ذهن دهقانان ذوب میشود. توهمات درحالی فروپاشی بود اما "دولت موقت انقلابی" که بر توهمات توده ها تکیه زده بود، و با زسازی سریع سرمایه داری و وابسته را پیش روی داشته همچنان به سیاستهای بی پرده دفاع از منافع مالکین، حفظ و تثبیت مالکیت مالکان بر زمین و انحراف و سرکوب جنبشهای دهقانی، ادامه میدهد. از جمله این اقدامات تدوین "قانون نحوه واگذاری واحیاء اراضی" در مهر ماه ۵۸ بود که در آن - فشرده طرز تفکر "دولت موقت" درباره مساله ارضی را میتوان مشاهده نمود. از اینرو، و نیز از آنجا که این قانون قرابت بسیاری با موضع گیریهای اخیر هیات حاکمه در این امر دارد، به بررسی آن می پردازیم.

نینداخته، و با دقت کلیه مواردی که ممکنست مورد "تجا و زوغصب" قرار گیرد، بر شمرده است. به این ترتیب، هیات حاکمه، از یک طرف با "وعده های سرخرممن"، فتوای علما، بخشنامه ها و لوایح تهدیدآمیز و سرکوب رسمی و غیر رسمی، و از طرف دیگر با حمایت مستقیم و بی دریغ از مالکان و مسلح کردن بخشی از آنان، به جنبشهای دهقانی پاسخ میدهد. علیرغم این دسایس هیات حاکمه، جنبش دهقانی هر روز دامنه گسترده تری بخود میگرفت. در بهار و تابستان ۵۸ مصادره انقلابی اراضی زمینداران از گسترش و تعمیق بی سابقه ای برخوردار شد (کردستان، ترکمن صحرا، لرستان، زنجان، قسمت های شرقی

کردستان) و با مسلح کردن خوانین (کردستان، بلوچستان و...) حفظ امنیت منطقه را بدست آنان می سپرد (در همین رابطه با خسرو خان قشقای از طرف آیت الله خمینی روانه فارس شد، به روزنامه با مداد ۲۹ ذر ۵۸ مراجعه شود). وزمانی نیز دهقانان به عکس عملهای قانونی نسبت به اقدامات "خودسرانه" و "غیر قانونی" تهدید می شوند. در این خصوص، دولاچه در مورد "جلوگیری از هرگونه تجا و زوغصب و تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق نسبت به املاک و اراضی مزروعی و شهری و باغات و قلمستانها و منابع آب و موسسات کشا و رزی و تاسیسات دامداری واحدهای کشت و صنعت" از تصویب گذشت (روزنامه رسمی کشور ۵۸/۱/۲۳) و مقرر شد که "در صورت تکرار جرم"، هیئت رسیدگی "موظف به صدور حکم به تبعید یا توقیف حداکثر تا یکسال می باشد. در این لوایح که دهقانان تهدیدیه تبعید یا توقیف شده اند، هیچ نکته را هیات حاکمه از قلم

## باتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم



# هیأت حاکمه و مسئله ارضی

## ۱- شیری یال و دم شوری انقلاب دفن شد!

اذا ما جنگ دولتهای ایران و عراق و گسترش و تعمیق بحران اقتصادی ، نقاب از چهره هیأت حاکمه می‌درد و ما هیأت ارتجاعی آنرا بیش از پیش عریان میسازد. برای هیأت حاکمه ، جنگ آن فرصت مغتنمی است که با اتکاء به آن ، سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک توده‌ها اشدها بخشیده ، عقیم کردن دستاورد های مبارزات توده‌ها را سرعت بدهد . حاکمیت که در بعضی زمینه‌ها ، تحت فشار جنبشهای توده‌ای ، وادار به عقب نشینی و دادن امتیازاتی محدود شده بود و یا نسبت به ابتکار انقلابی توده‌ها سکوت پیشه کرده بود ، اینک قصد آن دارد که در جدا مکان و با بهره‌گیری از شرایط جنگی ، در بازستاندن آن امتیازات عجله کند ، از این جمله لایحه واگذاری زمین است که تحت فشار مستقیم جنبشهای دهقان و زمینطور مهاجران و عاقد "نظم" در روستاها بصورتی مشروط ، محدود و موقت است از تصویب شورای انقلاب گذشت ، و اکنون بدستور آیت الله خمینی ، قبل از آن که بمرحله اجراء آید به بیگانگی راکد بورژوازی سپرده شد .

متوقف شدن واگذاری زمینهای بزرگ مالکین به دهقانان بهیچوجه غیرمنتظره نبود . از همان زمانی که شرایط اجتماعی ضرورت تجدیدنظر در قانون واگذاری ارضی را "بیزدی" وزیر کشاورزی کا بنینه بازرگان مطرح ساخته عکس العملها شروع کردند . مثلاً آیت الله العظمی روحانی درباره طرح اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب ، گفت : "اگر بنابر اصلاحات ارضی است باید بر طبق دستور اسلام و موازین شرعی باشد . . . اینگونه اصلاحات ارضی برخلاف اسلام است و اگر در شورای انقلاب هم تصویب شده باشد ، حرام است ."

(با مداخله ۱۶ اسفند ۵۸)  
و با آیت الله العظمی قمی اعلام کرد که ما در فقه باب مزارعه داریم و از مسلمات فقه باب مزارعه است و باب مزارعه معنی اش اینست که یکی مالک زمین است خودش اهل زراعت نیست ، زمین را میدهد دیگران که زراعت کنند و با آنها قرارداد می‌بندد . . . اینها همه را ما در رساله‌ها بیان نوشته ایم همه هم نوشته ایم نه بکنفر با دو نفر . . .

البته در خصوصیاتش ممکن است اختلاف نظر باشد ، اما در اصل که یک مالک زمین با یک زارع قرارداد می‌بندد هیچکس اشکالی نکرده و از مسلمات فقه اسلام است ."

(کیهان ۱۲ اسفند ۵۸)  
با گذشت زمان ، هر دم موج مخالفت "سران قوم" با واگذاری زمین به دهقانان ، اینجا و آنجا ، با لامیگر فست ، آیات عظام دستغیب ، ربانی شیرازی ، منتظری و . . . در موارد مختلف طی اعلامیه‌ها و فتوای خود لزوم محترم شمردن مالکیت در اسلام را متذکر میشدند . آیت الله منتظری در خطبه‌های نماز جمعه قم چگونگی واگذاری ارضی را چنین عنوان کرد : "در هر گجا که زمین موات هست یا زمین مصادره شده هست ولو یک فرسخی ولو دوقرسخی حق ندارند زمینهای گشت مردم را تقسیم کنند . . . زمین بیابان خدا را بیس آنهایی که ندارند تقسیم کنید . . . که بیابانها آبا دشودنه اینکه زمین کشاورزی اینرا بگیریم و بدهیم به آن یکی (جمهوری اسلامی ۲۵ مرداد ۵۹) شاید بتوان گفت در رابطه با مساله واگذاری زمین ، نامه سرگشاده "جا معه مدرسین حوزه علمیه قم" به نمایندگان مجلس از دونظرشایان توجه است ، اول آنکه این حوزه در "سازمان روحانیت" از اعتباری ویژه برخوردار است و بنا بر این نظرات ارائه شده از سوی آنرا میتوان مربوط به قسمت مهمی از "سازمان روحانیت" دانست . دوم اینکه صریحاً "از غیر اسلامی بودن لایحه اصلاحات ارضی سخن گفته و یاد آوری نموده که این لایحه "با موازین اسلامی و فتاوی مشهور و مراجع تقلید و مخصوصاً فتاوی صریح مرجع بزرگمان امام امت دام ظلّه تطبیق نمی‌کنند و مخالفت دارد ."

(کیهان ۵۹/۷/۲)  
با این وجود ، علیرغم این اظهارات صریح و بی‌پرده "روحانیون عظیم الشان" ، دولت همچنان به تناقض گوئی و مبهم‌گوئی در مورد اجرای لایحه واگذاری زمین ادامه میداد تا زمینی لازم برای اعلام رسمی توقف طرح فراهم آید . آقای سلامتی وزیر کشاورزی کا بنینه راجعی در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد "طبیعی است در زمینه اجرای طرح مشکلاتی پیش می‌آید که البته مشکلات بزرگی نبوده ولی در کنار اینها در اشکال سری سوء تفاهات در مورد خود طرح و در اشکالات غلطی که به بعضی داده شده مسائلی بوجود آمده که عده ای نیز آنها را شدت بخشیده و منجر

به موضع گیریها شده است . . . (جمهوری اسلامی اول آبان ۵۹)  
بزاستی چه نوع سوء تفاهاتی ممکنست در بعضی افراد نسبت به طرح واگذاری زمین ایجاد شده باشد ؟ بی‌شک این "سوء تفاهات" متوجه دهقانان نبوده ، چه اگر مشکلاتی از جانب دهقانان برای دولت بوجود آمده ، همانا اقدامات "خودسرانه" ناشی از "عدم سوء تفاهم" نسبت به طرح واگذاری زمین است . پس قاعدتاً "می‌بایست این تلاش وزیر کشاورزی در جهت رفع سوء تفاهات مالکانی باشد که با اصلاح "در کارشان اشکال و اشتباهی" رخ داده و همچنین پاسخی برای رفع نگرانی آن دسته از علمای اعلام که لایحه "واگذاری زمین را با "موازین اسلامی" منطبق نمی‌بیند .

در عین حال ، دولت ترجیح میداد که ضمن توقف عملی طرح واگذاری زمین حتی المقدور از اعلام رسمی توقف آن پرهیز نماید . در این رابطه آقای سلامتی اظهار داشت که "خدمت امام رسیدیم و مسائل و مشکلات را عنوان کردیم ، هم مسائل موجود و هم مسائل حادثی که احیاناً در آینده بوجود خواهد آمد" ، و اما حضرات آیات منتظری ، بهشتی و مشکینی را ما مور بررسی نمود و نتیجه این بود که طرح دقت بیشتری داشته باشد . "به واحدهای مربوطه گفتیم تا با دقت بیشتری این طرح را تعقیب نمایند تا با مشکلات اجرائی کمتری مواجه شویم (نقل قول از جمهوری اسلامی اول آبان ۵۹) در حقیقت مفهوم "دقت" بیشتر در اجرای طرح ، گلاشه‌ری برای توقف آن بود تا از این طریق دولت "با مشکلات اجرائی کمتری" مواجه شود .

آیت الله ربانی شیرازی نما یکنده اما موعظ شورای نگهبان طی اطلاعیه‌ای این مفهوم ظریف "دقت" را چنین عریان ساخت ، "اما ما متبنا نگزار جمهوری با توجه به موقعیت کنونی و جلوگیری از تضاد و اختلاف دستور نمودند که بطور موقت مسئله واگذاری زمین متوقف شود ."

(انقلاب اسلامی ۵۹/۷/۳)  
ولیک ، گویا تمام آن اظهارات و فتوای علمای و این کنایه‌های صاحب‌منصبان در مورد توقف طرح واگذاری زمین به اندازه کافی روشن نمی‌گردد در این حکومت نمیتوان "چشم طمع" نسبت به ارضی زمین داران بزرگی داشت و سردرگمی‌ها و

بقیه در صفحه ۱۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی  
دموکراتیک خلقهای ایران است

بقیه از صفحه ۱۳

"سرمویشها" در باره اجرای عدم  
اجرای طرح همچنان ادامه داشت  
میلاروژنا مه "امت" که معنای واقعی  
"دقت" را درک نکرده و یا نمیخواهد  
درک کند در مقاله ای تحت عنوان  
"ما تلاش گسترده مخالفان تقسیم  
اراضی را غنشی کردیم نویسد: این  
خبر نشان از پایان یک مرحله دیگر از  
تلاشهای مذبحخانه مخالفان تقسیم  
اراضی میداد... در شرایطی که  
دهقانان ستمدیده و زحمتکش ما به  
فرمان امام به وظیفه انقلابی و اسلامی  
خود زمین را میکارند تا محاصره  
اقتصادی دشمن را در هم بشکنند،  
(مخالفت با طرح واگذاری زمین) نه  
فقط یک اقدام ارتجاعی بلکه ضد  
انقلابی محسوب میشود.

(امت شماره ۸۰)  
واکنش، جنگ فرصتی بود تا  
"تلاشهای مذبحخانه" "ارتجاعی" و  
"فدائیانقلابی" را تحت عنوان برنام  
"کشاوری زمان جنگ" آشکار سازد  
هرگونه "سوء تفاهمی" در باره طرح  
هرگونه تعبیری در باره مفهوم "دقت"  
بیشتر در اجرای طرح "وهرگونه  
نگرانیتشویق مالکان را از بین  
بهدستی در یک معاویه را دید  
تلویزیونی با ظرافت خاص دستور  
توقف واگذاری زمین مالکان را چنین  
اعلام کرد: "در شرایط کنونی (شرایط جنگ) نظر  
امام نیست که برای اجرای بندالف و بند  
ب تلاش کامل شود در مورد اجرای بند ج  
هم نظرایشان اینست که با توجه به شرایط  
کنونی ما بیشتر نیروها پیمان را فصولاً  
بتمرکز در بند "الف" و بند "ب" از  
این طرح بکنیم.

(جمهوری اسلامی ۲۴ در ماه ۵۹)  
اینکه چرا زعمای حکومت سعی در  
موقتی نشان دادن توقف اجرای بند  
ج از طرح را دارند، بعداً به آن  
خواهیم پرداخت. اما در اینجا به این  
نکته اشاره کنیم که با حذف بند ج "کسه  
شامل اراضی با بیرون مالکان  
میشود، آنچه که قرار است مورد تقسیم  
قرار گیرد، در درجه اول اراضی مساوات  
(و یا بقول آیت الله منتظری "بیابانها")  
و در درجه دوم و در صورت لزوم اراضی  
متعلق به حکومت اسلامی است. به این  
ترتیب عمل طرح واگذاری اراضی شورای  
انقلاب با طرح واگذاری اراضی کابینه  
با زرگان کاملاً یکی میشود. حال آنکه  
است که اطلاعات تحت عنوان "فصولاً"  
تجرا در مزروعه دفن خواهیم کرد "نوشت  
وزیر کشاورزی در دولت موقت فتوای  
بنام (دکتر محمدباقر بروجردی) بود. وی در  
دوران تصدی خود با رها و بارها و صراحتاً  
اعلام کرد: در اسلام مالکیت حدود حصری  
ندارد (مقایسه کنید این گفته را با فتاوی  
چامعه مدرسین حوزه علمیه قم، منتظر  
و... آیا تفاوتی اصولی وجود دارد؟)...  
لا محاله ای در مورد احیاء زمینهای مساوات  
تهیه میکنند و در آن بیشتر ما نه و بیابانها  
توجهی به اراضی اسلامی مالکیت زمینهای

# هیأت حاکمه و مسئله ارضی

بزرگ را تا ناید کرده و قاطعانه از فتوایها  
حمایت میکنند.

(اطلاعات ۱۹ تا ۲۱ بهمن ۵۹)  
ده روز از این نوشته اطلاعات نگذشته بود  
که آیت الله خمینی دستور توقف واگذاری  
زمینهای مالکان را صادر کرد. اما آیا  
اطلاعات نوشت که اکنون هیأت حاکمه راه  
ایزدی را می رود "بی خبری" نه و قاطعانه از  
فتوایها حمایت میکنند؟

الفاء واگذاری اراضی زمینداران -  
یکی دیگر نشان داد که "ج" و "ر" است  
زندهای هیأت حاکمه (۱) در برخورد با  
مسائل روزمره و آنی که تحت تاثیر فشار  
از پائین و اختلافات درونی انجام  
گرفته و میگیرد، نمی توان آن رشته  
پیوندی را که تک تک عملکردها پیش را بهم  
متصل میکنند و مجموعاً ما هیأت ارتجاعی آنرا  
به نمایش میگذارد، برای مدتی مخفی  
نماید و با از هم بگسلد. هیأت حاکمه که  
بنا به ما هیأت طبقه تیش، رسالت خود را  
در باره سازی سرمایه داری وابسته (توام با  
رفرماهی) میداند، نمی توانستند  
با سخگویی خواستههای توده ها و زحمتکش  
- از جمله دهقانان - باشد. این امر  
دیگر با بدکا ملاروشن باشد. اما بدلیل  
توهماتی که هنوز باقی است و بدلیل  
سیاستهای سازشکارانه ای که در باره  
دولت "انقلابی" و "فدائیسویالیستی"  
تبلیغ میشود، شناخت دلایل تلویحاً خوردن هیئت  
حاکمه ورشته ای که تک تک عملکردهایش  
را در مساله ارضی بهم می پیوندند،  
ضروری می نماید. از این رو به بررسی  
مختصراً اقدامات هیأت حاکمه در رابطه  
با جنبشهای دهقانان - مضمون و ماهیت  
طرحهای واگذاری زمین به دهقانان -  
مقایسه عملکردها و اثرات طرحهای  
ارائه شده و آینه جنبش دهقانان  
و مساله ارضی، می پردازیم.

## ۲- جنبش انقلابی مصادره زمین اوج می گیرد.

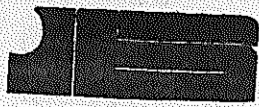
طی دوران جنبش انقلابی سالهای  
۵۷ و ۵۸، طبقات واقعا مختلف مردم با  
خواستهای که از غریزه طبقاتیشان  
نشأت میگرفت به میدان مبارزه کشیده  
شدند. لیکن صف بندی طبقاتی  
توده های مبارز بطور صریح مشخص نبود.  
اگرچه طی این دوره، تحقق خواسته های  
طبقه ای توده ها در براندازی رژیم  
شاهنشاهی متجلی میشد، ولی در پشت این  
هدف مشترک "انگیزه ها و هدفهای

مختلفی پنهان بود. قیام و بدنبال  
آن استقرار "ارگان سازش" تدریجاً  
انگیزه های طبقاتی را از زیر به رو آورد  
وصف بندی طبقاتی توده ها شروع به  
شکل گیری و آشکار شدن نمود.  
مبارزات دهقانان نیز کم و بیش  
در همین مسیر جریان داشت، با این  
تفاوت که زمانیکه "شهر" بحرک  
درآمد؛ روستا هنوز خاموش بود. خصم  
محافظة کاری دهقانی، محیط محدود  
پراکندگی، آگاهی نسبی یا نبود  
نیودت تشکیلات دهقانان اثرات موقت  
اصلاحات ارضی و... دهقانان را در -  
مجموع دیرتر از شهرنشینان وارد جنبش  
انقلابی توده ها ساخت. اما بتدریج که  
جنبش شکل میگرفت و به پیش میرفت  
دهقانان بیشتری نیز در مبارزات  
شرکت می جستند. پیوستن دهقانان با  
جنبش انقلابی بنا به ترکیب طبقاتی  
روستا و شرایط ویژه هر منطقه، چه از  
نظر زمانی و چه کیفی، تفاوت داشت  
عوامل چندی این تفاوتها را ایجاد  
میشد. از جمله وجود در صدقات بل توجهی از  
کارگران کشاورزی در جریان کشاور  
روستا (مثال گنبد و دشت)، وجود  
نیمه پزولتاریای روستا که بین شهر و  
روستا در نوسا نبود، وجود مساله ملی  
توام با مساله ارضی (مثلاً در کردستان)  
و دوری و نزدیکی روستاها از شهرها  
لیکن گسترش و تعمیق جنبش انقلابی و  
دورنمای موفقیت آمیز آن، تضعیف  
نیروهای سرکوبگر، فرار بعضی از  
زمینداران بزرگ و... آنچه نشان  
زمینهای را فراهم ساخت که اقشار  
دهقانان را در بیشتر نقاط به میدان  
مبارزه کشاند.

خوش نشینان و دهقانان فقیر -  
(کم زمین) آرزوی دیرینه خود را در  
تصاحب قطعه ای زمین در شرف تحقق  
دیدند، و از این رو بطور وسیع و فعالی  
در مبارزات شرکت می جستند. دهقانان  
میان حال عمدتاً با انگیزه های عرفانه ای  
(مثل قطع با زبردخت بهره و وام  
بانک) و... به جنبش پیوستند  
دهقانان مرفه نیز ضمن داشتن  
انگیزه های ضد انحصاری که آنها را در  
تنگنا قرار میداد، بمنظور تثبیت  
موقعیت و قدرت و حفظ نفوذ خود در  
ارگان ده و جلوگیری از "دستاندازی"  
احتمالی دهقانان فقیر و خوش نشینان  
به زمین "شرعی" و "قانونی" خود با  
سایرین همراهی کردند.  
همچنانکه در ابتدا اشاره شد، هدف  
مشترک سرنگونی رژیم شاهنشاهی،  
انگیزه ها و هدفهای مختلفی را در پشت  
خود پنهان داشت و صف بندی مشخصی  
پس از قیام بهمن ماه شروع به شکل  
گیری کرد. انگیزه های دهقانان نیز تا  
آستانه قیام در پشت شعار "مرگ بر  
شاه" پنهان بود و سپس این  
انگیزه ها مشخصاً در جنبش دهقانان  
عمدتاً بشکل مصادره زمین - متبلور  
شد.

بقیه در صفحه ۱۵

# استقلال - مبار - مسکن - آزادی



بقیه از صفحه ۱۴

همزمان با روی کار آمدن دولت منتخب امام، خواستهای توده‌ها بصورت روشنفتری مطرح گردید: تشکیل شوراها، ملی کردن صنایع و کنترل آن توسط شورای کارخانه و مصادره اراضی. کارگران و کارکنان کارخانه‌ها و موسسات مختلف در جهت تشکیل شوراها و بدست گرفتن مدیریت واحدها کوشیدند. تشکیل کارکنان دموکراتیک سیاسی - صنفی جهت حفظ دستاوردهای دموکراتیک قیام و حفظ منافع صنفی شروع شد. در این میان دهقانان نیز با مطالبات مشخص تاریخی خود مانند دریافت رگرفتن اراضی کشاورزی و خواستهای نوینی که در اثر جنبش انقلابی برای آنان مطرح شده بود مثل تشکیل شوراها و اتحادیه‌های دهقانی، قدم به پیش گذاشتند. لیکن این باور در آن زمان عمومی به قوت وجود داشت که دولت "انقلاب" میتواند ندبیا سخگوی نیازها و خواسته‌ها باشد. بهمین جهت توده‌های دهقانی اقدامات خود را در جهت مطالبه با اقدامات خود را به عنوان "حقی طبیعی" و "قانونی" برای برآوردن مطالبات خود، در کنار روش طریق حاکمیت، می‌پنداشتند. در حالیکه "ارگان سازش" و در درجه اول نماینده عمده وقت آن "دولت موقت انقلابی" - نه میخواست و نه می‌توانست بخواست زمین - کار - مسکن - آزادی توده‌ها ترتیب اثر دهد. رهبران مردم را به "صبر انقلابی" فرامی‌خواندند و از آنها میخواستند که "همه با هم" دولت را تضعیف نکرده و در تقویت آن بکوشند تا دولت بازرگان پیش از زایل شدن توهم توده‌ها، ابتدا آنچه را که از دستگاه بوروکراتیک گذشته محفوظ مانده، تثبیت کند و ضمناً "گام بیگام" در برابر سازی سیستم ضربه خورده بد پیش رفته و در جهت ترمیم خرابیهای ناشی از "سپیل" (اشاره به سخنان بازرگان بعد از قیام که "ما با ران خواهستیم سیل آمد" هر چه سریعتر اقدام کند. بدین ترتیب، در بسترایبستن مبارزات توام با توهم نسبت به توانائی دولت، جنبش انقلابی دهقانان شکل میگرفت، از یک سو، جنبش مصادره زمینهای زمینداران بزرگ به شیوه‌ای انقلابی، در بعضی نواحی شروع شده بود (گنبد، کردستان، مناطقی از لرستان و مازنداران و غیره) که در عین اوج گیری، هنوز در همه جا قوام لازم را بدست نیاورده بود و دهقانان مطالبات خود را از دولت می‌طلبیدند. و از سوی دیگر، در بعضی نقاط، دهقانان به مبارزه برای دفاع از زمین در مقابل یورش چاقاران خوانین و فئودالها که ادعای مالکیت زمینها را داشتند، مشغول بودند (آذربایجان غربی، بلوچستان و...) در حالیکه از همان ابتدای استقرار "جمهوری اسلامی" و با

## هیأت حاکمه و مسئله ارضی

شدت یابی این مبارزات در روستا بین مالکین و دهقانان، دولت وظیفه خود را نسبت به تمام توان به حمایت از منافع مالکین بر خیزد.

### (منطقه ترگور، مرگور و...)

اصولاً، وظیفه اساسی ای که دولت بازرگان پیش روی خود میدید، باز سازی هر چه سریعتر سیستم بنسبت رابطه با مساله ارضی و دهقانی نیز تثبیت هر چه ممکن نتایج اصلاحات ارضی دهه چهل از راهم وظایف دولت بشمار میرفت. زیرا: اولاً، اصلاحات ارضی دهه چهل موانع فئودالی رشد سرمایه داری وابسته را (در حد لزوم) از میان برده و نیروی کار رکنده شده از زمین نه تنها نیاز آتی سرمایه را بر آورده میساخت، بلکه با استقرار "ارتش ذخیره کار"ی انبوه بصورت حاشیه نشینی در شهرها، نیاز قابل پیش بینی سرمایه کار را نیز جوا بگو بود. مضافاً این که بحران اقتصادی که از اواخر سال ۵۵ شروع شده بود همچنان ادامه داشت و به افزایش بیشتریکاری انجام میداد. بنا بر این، از نقطه نظر اقتصادی، دولت بورژوا - لیبرال بازرگان نیازی به "خلع یددهقانان" - از طریق اصلاحات ارضی - برای کسب نیروی کار آزاد و گسترش بازار، نداشت. ثانیاً، از نقطه نظر سیاسی، دولت منتخب امام که در راهیمائی های میلیونی مورد حمایت توده‌ها قرار گرفته بود و جنبش انقلابی توده‌ها را تمام شده می‌دانست، انجام فرمهای از قبیل اصلاحات ارضی را برای کسب پایه‌های توده‌ای و ایجاد پایگاهی در میان اقشار زدهقانان و تثبیت حاکمیت خود، ضروری نمی‌دانست.

با اینحال، بدلیل: ۱- حل مساله ارضی (در دهه چهل) که بر اساس جایگاه ایران در تقسیم بین المللی کارونیا ز سرمایه‌های انحصاری بین المللی صورت گرفته بود، و ۲- کامل نشدن پروسه خلع یددهقانان و عدم استقرار مناسبات تولید سرمایه داری در تمام روستاها و بالاخره تحت فشار شرایط انقلابی حاکم بر روستاها، مساله ارضی - دهقانی باقی مانده و دولت با درگیریهای مالکان و دهقانان مواجه بود. بخشی مهمی از

مالکان بدلیل احساس "عدم امنیت" ثبات و نظم "در جامعه (بویژه در روستا) و وحشت از این که دولت بورژوا - لیبرال بازرگان برای اعاده "نظم بورژواشی" مجبور باشد مصالحه‌ای در مورد زمین شود، و بخش دیگر بدلیل دست اندازیهایی خود برای کسب مجدداً لکیت بر زمینهای دهقانی از یک طرف، و از طرف دیگر، حرکتی روبه رشد دهقانان در جهت حل انقلابی - دهقانی مساله ارضی، هیأت حاکمه را در تنگنا قرار داده و

اداره موضع گیری می‌نمود. انتخاب آیزدی (لازم به تذکر است که آقای آیزدی سازمان ده و موسس "شورای کشاورزان تهران" و "شورای کشاورزان فارس" که در حقیقت با شگاه زمینداران بزرگ است می‌باشند) بعنوان وزیر کشاورزی سوء تفاهمی را که ممکن بود در مالکان ارضی نسبت به نیات حسن دولت بوجود آید، بر طرف ساخت، و فقط دستاوردهای "انقلاب سفید" را به آنان بشارت داد. حاکمیت شعار "مالکیت مقدس است" را از بلند گویای خود فریاد می‌زد. آقای آیزدی برای اینکه خیال مالکان را راحت کند و زهر چشمی هم زدهقانان "خودسر" و "نظم شکن" گرفته باشد، گفت: "بر اساس اخبار روگزارشها، که از نقاط مختلف کشور میرسد، مشاهده میشود که هنوز در پاره‌های موز داشخاص بنسبت زمینهای کشاورزی متعلق به دیگران تجاوز کرده و مانع کار کشاورزی میشوند. در حالیکه مکرراً از طرف رهبران انقلاب امام خمینی و آیات عظام و مقامات دولتی این قبیل اقدامات را برخلاف شرع و انقلاب ایران اعلام داشتند... وزارت کشاورزی و عمران روستائی با ردیگر تا کید میکنند که از این اقدام برخلاف مصالح با خودداری کرد."

(کیهان ۱۲۷ سفند ۵۷)  
امیران نظام "ملعون" نیز درباره حفظ حقوق مالکان بر زمین اظهار داشت: "اگر زمینها تقسیم نشده باقی مانده است، دولت حتماً اقدامات لازم را مینماید."

(پیغام امروز ۲۰ فروردین ۵۸)  
چه قرا بتی است بین گفتار ردیگر روز امیران نظام و گفتار امروز هیأت حاکمه درباره تقسیم "بیا بانها" بین آنها که زمین ندارند!

حمایت بیدریغ رهبری از "دولت موقت انقلابی" و مهمتر از آن توهم توده‌ها نسبت به رهبری و از آن طریق نسبت به کابینه بازرگان، موقعیتی را بوجود آورده بود که دولت امید داشت با وعده و وعید، تهدید و نواها بیا سرکوب بتواند جنبش دهقانی را مهار کند. هر جا که وعده و وعید در باره افزایش رفاه "مستضعفین" از جمله دهقانان کاربرد نی‌داشت، "دولت انقلاب" یا به سرکوب مستقیم با ملاح "ضد انقلاب" توسل می‌جست (گنبد،

بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱

حکومت خود مختار کردستان و آذربایجان اداره می شد.

دولت مرکزی کره پس از یک سلسله مذاکرات حقوق خلق کرد را ظاهر برسمیت شناخت و با اواخر آتش بس برقرار شد، اما در واقع امر به جمع آوری قوا مشغول شد و دست فرصت مناسب برای حمله به کردستان بود. بنابراین پس از تدارک لازم و سروسامان دادن به ارتش ضد خلقی و سرکوبگر خود در آذربایجان ۱۳۲۵ آنها را تا مین آزادی انتخابات عازم مهاباد شد.

خلق کرد که در آن شرایط بدلانسل متعدداً ما دگی لازم برای رودرویی همه جانبه با ارتش سرکوبگر و ضد خلقی رژیم حاکم را نداشت با وضعیت دشواری روبرو بود و قیل از ورود ارتش، کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان با مسئله رفتن یا ماندن در کردستان روبرو بود. قاضی محمد عقب نشینی را به معنسی کریختن می گرفت و می گفت "نمیشود زن بی پناه گذاشت". پس از استقرار ارتش در کردستان قاضی محمد و سایر رهبران خلق کرد با زار داشت شدند. قاضی محمد حاضر نشد علیه منابع خلق کرد کوچکترین سازشی با رژیم شاه بعمل آورد. ز همین رو او و سایر رهبران در ۱۵ فروردین ۱۳۲۶ بدست جلادان شاه در مهلبا باعدام شدند.

ماندن رهبران کرد در ایران و تسلیم

### گرامی باد خاطر سی و پنجمین سالگرد اعلام خود مختاری در کردستان

نشدن تا مرز شهادت تا شیر سیاه مهمی در سنت مبارزه و تداوم جنبش خلق کرد برای گذاشتن امری که در جنبش آزادی ایران یک کمبود بزرگ بحساب می آید. ریشه دا زبون جنبش خلق کرد که ریشه درستم ملی و طبقاتی دارد، سنت های دیرینه مبارزاتی و مبارزه جویی رهبران آن، موجب گشت که رژیم شاه نتواند این جنبش را کاملاً سرکوب کند. از این رو جنبش خلق کرد طی ۲۵ سال گذشته همواره با افت و خیرهایی مرتباً تداوم داشته است.

در سالهای ۴۶ - ۴۷ جنبش مقاومت خلق کرد واجی تازه یافت و این بار آتش جنبش مسلحانه بر رهبری سلیمان معینی، شریف زاده و ملا واره در کوه های کردستان شعله ور شد و به نبرد خونین با رژیم شاه پرداخت.

خلق کردهنگام با خلقهای سراسر ایران در مبارزه علیه رژیم شاه در قیام شرکت کرد و سهم ارزنده ای در این مبارزه ایفا نمود.

پس از قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم شاه، خلق کرد که نزدیک به نیم قرن با حکومت پهلوی مبارزه کرده بود، انتظار داشت که به حقوق سرحق و عادلانه خویش دست یابد و در این راه با فشاری کرد. خلق کرد تحت این شرایط توانست با اقدام مستقل، مستقیم و انقلابی خویش پاره ای از خواسته های دمکراتیک خویش را بچنگ آورد. اما هنوز اسفالت خیا با نهایی ایران از خون شهدای ۱۷ شهریور، ۱۳ آبان، ۲۱ و ۲۲ بهمن گلگون بود که دولت جمهوری اسلامی خلق قهرمان کرد را با ردیگر در سنج به خاک و خون کشاند. زیرا ضد انقلاب حاکم بنا بر ما هیتش در صدد پیمانال کردن و محو و نابود کردن دستاورد های انقلابی توده ها بود.

اکنون ارتش جمهوری اسلامی که بدست همان فرماندهان مزدور ارتش شاه اداره میشود و سپاه پاسدارانی که ماهیت ضد خلقی خود را در تمام اقدامات ضدمردمی و سرکوبگرانه خود نشان داده است و جاشهائی که تا دیروز در خدمت رژیم شاه بودند و اکنون تحت عنوان پیشمرگان مسلمان کرد و با دریافت حقوق و پاداشهای کلان به مزدوری گرفته شده اند و مرتجع بین محلی، همه دست در دست هم مدت نزیک بدو سال است که خلق کرد را کشتنار می کنند. اما علیرغم تمام این فشارها و سرکوبها، جنبش مقاومت خلق کرد

بقیه در صفحه ۱۸

## با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!

رقبای لشکرورد		د بیرون استان ازبوعن		حیدر عوا اولی		رقبای شهید		رقبای شهید	
رقبای گریب ۱۰۰۰ ریال	رقبای نکرورد ۱۰۰۰	د بیرون استان ازبوعن ۳۰۰۰ ریال	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۴۲۷۱ ریال	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای بابک ۱۰۰۰	رقبای علی ۳۰۰	د بیرون استان ازبوعن ۵۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای دکور ۱۰۰۰	رقبای آذربایجان ۱۲۰۰	د بیرون استان ازبوعن ۲۳۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای آذربایجان ۱۲۰۰	رقبای الف ۲۰۴۴	د بیرون استان ازبوعن ۲۳۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای آ ۱۱۰۶	رقبای الف ۲۰۴۴	د بیرون استان ازبوعن ۲۳۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای س ۱۶۰۰	رقبای الف ۲۰۴۴	د بیرون استان ازبوعن ۲۳۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای م ۵۰۰	رقبای الف ۲۰۴۴	د بیرون استان ازبوعن ۲۳۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای م ۲۰۳۹	رقبای الف ۲۰۴۴	د بیرون استان ازبوعن ۲۳۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای م ۲۰۳۹	رقبای الف ۲۰۴۴	د بیرون استان ازبوعن ۲۳۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای م ۲۰۳۹	رقبای الف ۲۰۴۴	د بیرون استان ازبوعن ۲۳۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای م ۲۰۳۹	رقبای الف ۲۰۴۴	د بیرون استان ازبوعن ۲۳۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲
رقبای م ۲۰۳۹	رقبای الف ۲۰۴۴	د بیرون استان ازبوعن ۲۳۰۰	حیدر عوا اولی ۵۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۰۰	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۶۲۳	رقبای شهید ۲۱۱۲	رقبای شهید ۲۱۱۲

## سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند.



# نگرشی کوتاه بر مراسم بزرگداشت سالگرد بازگشائی دانشگاه

۲۳ دی ماه ۵۷ دانشگاه، این سنگر استوار آزادی به نیروی خلق گشوده شد و توطئه رژیم شاه جلاد این مزدور امپریالیسم که بشکلی مذبحانسته کوشیده بود تا شاید بتواند با بستن دانشگاه این کانون آگاهی و مبارزه جلوی رشد مبارزات توده ها و پیوند دانشجویان مبارز با کارگران و زمینگان را سد نماید در هم شکست.

اما... دیری نپائید که رژیم جمهوری اسلامی نیز ترسان از مبارزات او جگر نده خلق و با وقوف بر نقش بسزای دانشگاه در جهت دادن به این مبارزات به بستن دانشگاهها مبادرت کرد و چنین بود که در ۲۳ دی ماه امسال دانشگاه بسته بود.

در رابطه با بزرگداشت سالگرد ۲۳ دی ماه لازم دیدیم به بررسی انتقادی این حرکت بپردازیم و در عین بیان بکارگیری دستاوردهای این حرکت به زدودن پیرایه های انحرافی آن توفیق یابیم. در این رابطه به بررسی حرکت هر یک از نیروها می پردازیم.

۱- حاکمیت: در ابتدای سالی برای این که تا از کنایه روز ۲۳ دی ماه به آرامی و سکوت هر چه تمام تر بگذرد تا مگر خاطره بازگشائی دانشگاه در اذهان توده ها زنده نگردد و با پیشروی تمام دانشگاه این سنگر آزادی را صریحا "لایسسه مزدوران و پابیکا آمریکا... نامید. اما حرکت نیروهای انقلابی در جهت بزرگداشت این روز خواب خوش رژیم را برهم زد و با رد دیگر سیاست سرکوبگرانه خود را بکار گرفت. در این رابطه اعلام بکارگیری "قوانین زمان جنگ در مورد دستگیرشدگان" بخوبی بیانگر میزان وحشت رژیم حاکم از توده ها است. در این مورد سیاست جناح های مختلف حاکمیت قابل بررسی است.

الف - حزب جمهوری اسلامی: بر طبق روال همیشگی خود سیاست سرکوبگری آن را تا مبادی تحمیق در پیش گرفت. حزب که اینبار موفق نشده بود توده ها را با زیجه دست خود قرار دهد دسته های حزب الهی متشکل از افراد بسیج و پاسداران (البته در لباسهای شخصی) را به میدان آورد که صدا البته توسط گشتی های پاسدار و کمیته های هانی نیز حمایت می شدند.

ب- لیبرالها: لیبرالها که از هفته های اول جنگ بر سرکوب قدرت بیشتر و مقابله با حزب "بازگشائی دانشگاهها" را از دیدگاه ارتجاعی خود علم کرده بودند با نزدیک شدن روز ۲۳ دی در صلاح خود دیدند تا مدتی را با سکوت برگزار نمایند و روز ۲۳ دی

رسم حرکت نیروهای انقلابی را محکوم کردند و آنرا توطئه خواندند. و با ردیگر این مسئله که تضاد دو جناح حاکمیت بر سرکسب قدرت بیشتر است و برای مقابله با توده ها و سرکوب خلق وحدت کلمه و عمل دارند و توضیح به نمايش گذاشته شد.

۲- اپورتونیستها: کمیته مرکزی و حزب توده این چاکران بورژوازی و آستانوسان حاکمیت اینبار نیز نتوانستند بخوبی نقش خود را ایفاء نمایند. کمیته مرکزی که در حصر بسته بودن دانشگاهها را به نفع امپریالیسم میدانست حرکت در جهت بازگشائی را نیز بسودا امپریالیسم ارزیابی کرد و با برگماردن دانش آموزان هوادار ناآگاه خود بر سر چهار راهها و محکوم نمودن راهپیمائی، وفاداری خود را نسبت به حاکمیت به نمایش گذاشت. سپس با کمک برادران توده ای! در مقابل دانشگاه کاغذهای با مضمون "توطئه" عوامل صدام و آمریکا را افشاء کنیم" می چرخاندند و بدینوسیله میزان خیانت خود را به خلق آشکار می کردند و در نهایت نیز عده ای از آنان جهت پیوند هر چه پیوسته بودند و در برخی موارد شعارها را نیز سازمان میدادند.

شوخ جالب تاریخ اینست که خوشرقمی های اپورتونیستها در عوض اینکه در دل جناح "صدا امپریالیست حاکمیت" که بیشتر مورد نظر آنان است کارگزاران فتوح در دل لیبرالها با زکرده است فقط کافیسست برخوردارند. حرکت مذبحانسته آنان توجه کنیم. حزب در روزنامه جمهوری اسلامی ۲۴ دی ماه می نویسد: "دیروز چریکهای فدائی شاخه اکثریت - جناح راست طی اطلاعیه ای اعلام کرده بودند که راهپیمائی... را تحریم کرده است. مردم مسلمان و انقلابی هر جا که میرسیدند و با پلاکارد این سازمان مواجه می شدند آنرا پاره می کردند و می گفتند این دروغ محض است و اینها نیز مزدور برق درتها هستند. همین عکس العمل را مردم با "توده ایها" نیز داشتند.

حزب سعی می کند که بیش از اندازه به اپورتونیستها پروبال ندهد. اما در عوض انقلاب اسلامی اعلام می کند: "دانشجویان پیشگام - هوادار چریکهای فدائی اکثریت و دانشجویان دمکرات با صدور اعلامیه های جداگانه ای این عمل را محکوم ساخته بودند" مساله دیگر اینکه اپورتونیستها

همواره فریاد می زنند "باید با لیبرالها هم صدا شد". آنها به این وسیله هرگونه مبارزه دمکراتیک، هرگونه مبارزه در جهت کسب آزادیها و حقوق دمکراتیک را به بهانه "همصدائی با لیبرالها" می کوبند و نفی می کنند اما اینبار در عمل کار ملاروشن گشت که تنها راه مبارزه با آزادیخواهی دروغین لیبرالها پیشبرد هر چه گسترده تر مبارزات دمکراتیک است زیرا فقط در اینجا است که در مقابل آلترناتیو انقلابی، شعارهای ضد انقلابی لیبرالها افشاء میگردد.

در عین حال باید پرسید حقیقتا چه کسی آلت دست رژیم، حزب و لیبرالها شده است؟

۳- نیروهای انقلابی: در عین حال که برخورد دقیق و موثکافانه به مواضع هر یک از نیروهای انقلابی را باید به تحلیلی دقیق و بررسی بیشتر موقوف کرد اما در اینجا ذکر نکات زیر لازم بنظر میرسد.

الف- مجاهدین خلق با اتخاذ سیاستی غیراصولی نسبت به مساله اتحاد عمل نیروهای انقلابی، عملا این حرکت را تحریم کردند. تزلزل حاکم بر اتحادیه انجمنهای دانشجویان مسلمان "آنان را به اتخاذ سیاستی راستروانه کشید. این دوستان در فاصله کوتاهی از زمانی که از بسیجی حرکتی و راستروی سایر نیروها انتقاد می کردند، نه تنها تحریم حرکت ۲۳ دی، بلکه به محکوم کردن آن کشیده شدند و خود نیز عملا هیچگونه حرکتی انجام ندادند. این شکل از عمل که که ریشه در برخورد غلط این دوستان با مسئله اتحاد عمل و همچنین توهم آنان نسبت به جناحی از حاکمیت دارد، عملا در کنایه رودر خدمت لیبرالها قرار گرفت. مضمون عمده اعلامیه اتحادیه انجمنهای... را می توان در این جملات خلاصه کرد که: چنین حرکتی دستاویز ارتجاع کشته و باعث پیورش او به "همه چیز ادیه های انقلابی" می شود و در نتیجه فضای سیاسی تازه ای که موجود است از بین خواهد رفت و آزادیهای موجود پامال خواهد شد... باید به این دوستان توجه داد که بورژوازی حاکم هر لحظه که قادر باشد به شدیدترین سرکوب ممکن می پردازد و در نتیجه با چنین برخوردی که تعرض را موجب از بین رفتن محیط دمکراتیک (!) می داند معتقد است که نباید تعرض کرد عملا را به اتخاذ سیاستهای راستروانه خواهد کشاند که در شرایط او جگر نده مبارزات توده ها و در شرایطی که خلق هر چه بیشتر

## مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

### نگرشی کوتاه بر...

بقیه از صفحه ۱۷

در مقابل حاکمیت به تعرض میپردازد  
ضربات جبران ناپذیری را به جنبش  
توده ها وارد خواهد آورد و توده ها را به  
جانب لیبرالها، این مدعیان دروغین  
آزادی سوق خواهد داد.

ب- حرکت انجام شده در رابطه با  
بزرگداشت ۲۳ دی با تمام کمیوکاستی  
ها بیش طلبه ای نویز روزنه ای روشن  
در جهت شکل گیری اتحاد عمل بود.  
با اعتقاد بر این امر که فقط با  
برخوردی انتقادی به این مسئله  
میتوان بیشترین دستاورد را در جهت  
گسایه های بعدی کسب نمود از اینرو به  
بررسی نکاتی چند در اینمورد

می پردازیم.  
۱- مهمترین مسأله ای که در سراسر  
حرکت بچشم می خورد، عدم وجود درک صحیح  
در مورد فعالیت و حرکت دمکراتیک  
می باشد.

فعالیت دمکراتیک یعنی بسیج و  
سازماندهی توده های هر چه وسیعتر از  
خلق ( و نه تنها طبقه کارگر و نمایندگان  
سیاسی آنها ) حول یک شعار واحد یا  
خواست مشترک. مثلاً هرگاه ما خواستار  
بازگشائی دانشگاه ها یا محتسبانی  
انقلابی هستیم مسلماً آن گروه از  
استادان و دانشجویان و کارکنان  
دانشگاه نیز که منافع خود را با این  
خواست منطبق می بینند بر گرد این شعار  
جمع می شوند. برای آنکه کسی خواستار  
بازگشائی دانشگاه یا محتسبانی  
انقلابی باشد حتماً لازم نیست کمونیست  
و یا هوادار ریک گروه سیاسی خاص باشد.  
در نتیجه روشن است که هرگاه فعالیت  
دمکراتیک را به گروه های سیاسی  
محدود نمائیم عملاً بسیاری از توده ها را  
از دست می دهیم و به سکتاریسم کشیده  
خواهیم شد. با این شکل از برخورد  
تعمیراتی افزایش سیاسی به حالت انفعال  
در می آیند. در اینجا است که سیاست  
چپ روانه (محدود کردن فعالیت  
دمکراتیک به گروه های کمونیستی)  
توسط طرح اسم یا شعارهای کمونیستی  
تیلور خود را در راستروی می یابد.  
در عمل ما هدیه می دهیم که شعارها و سخنان  
چپ رفقا در هنگام مبرنا مهریزی در عمل  
و در مواجه با توده ها به وحشت از ابعاد  
وسیع حرکت و لغو مراسم از سوی  
مراسم از سوی رفقای سایر گروهها  
گشت. شکل صحیح عمل این بود که  
مبرنا مهریزی، بسیج و سازماندهی  
کلیه نیروها را کمینه منتخب و یا مسورد  
تا شاید سازمانهای سیاسی مختلف به  
عهده میگرفت و با اعلام مضمون کار و  
اهداف خود از همه نیروهای انقلابی  
دعوت میکرد که در آن شرکت نمایند و  
گروهها و سازمانهای مختلف از مراسم  
پشتیبانی بعمل می آوردند. تنهائی  
بدین وسیله و به این شکل ممکن بود

### گرامی باد...

بقیه از صفحه

مصممانه ایستادگی می کند و بیروز  
مندانه به پیش می رود. مبارز  
خلق کرده تنها در اعلا سطح آگاه  
روحیه مبارزاتی آن و حفظ دستا  
های دمکراتیک در کردستان نقش  
با اهمیتی داشته است بلکه حرکت  
تداوم این جنبش در حفظ دستاورد  
سراسری توده های انقلابی ایستادگی  
نقش بسیار ارزنده ای ایفا کرده است  
خلق کرد در دست سهندگامی که صد انقلاب  
حاکم می گویند با سرکوب جنبش مقاوم  
خلق کرد، بکلی بردست آورده  
انقلابی توده ها خط بطلان بکشد، یو  
ضد انقلاب حاکم را با خاک مالند.

اکنون توده های زحمتکش  
سراسر ایران هر روز بیش از پیش به  
شیادی ها و دروغ پردازی های هیئت  
حاکمه علیه جنبش مقاومت خلق کر  
پی می برد و نقش بسیار عظیم ایستادگی  
و مقاومت خلق کرد را در مقابل هیئت  
حاکمه بهتر درک می کنند. آنها بیش  
پیش بدین امر واقف می شوند که با  
از مبارزات بحق خلق کرد پیشتیا  
کرد و این مبارزه را بخشی از مبارزات  
دمکراتیک و ضد امپریالیستی خود  
بدانند خلق کرد نیز با توجه به نجات  
عظیم مبارزاتی خود بخوبی آگاه است  
که پیروزی نهائی آن تنها در همسویی  
و پیوستگی با سایر خلقهای ایران  
تامین خواهد شد.

اینک که ما در آستانه یکی از  
درخشانترین روزهای تاریخ مبارزات  
خلق کرده هستیم با دیگر همبستگی خود  
را با زحمتکشان دلیر خلق کرد که  
قهرمانان برای تامین حقوق دمکراتیک  
خود نبرد می کنند، اعلام می کنیم و دیگران  
در راه تحقق خواستهای برحق آنها مبارزه خواهد  
کرد.

و همچنین هنگامی که رفقای راه کار  
حتی برای تظاهرات موضع حاضر  
نشده در رفقا نتوانستند بدرستی حرکت  
را سازمان دهند...

مسئله دیگر اینکه به علت ارتباط  
تنگ تنگ پیشگام با سازمان، مشخص  
است که مسئولیت انتقادات وارده به  
رفقا به دوش سازمان و عدم برخورد  
فعال رفقای سازمان با این مسأله  
قرار میگیرد.

در نهایت با دیدار دیدگر گفت که  
حرکت انجام شده با وجود تمام  
انتقادات وارده حرکتی مثبت و گامی  
به پیش در جهت نزدیکی گروهها و  
سازمانهای انقلابی و بدست آوردن  
درکی عمیق تر و صحیح تر از مسأله  
اتحاد عمل است بخصوص حضور فعال و پر  
شور تمام رفقا، هواداران و همسایه  
نیروهای مبارز روزمند در صحنه تصحیح  
بسیاری از عیبها و انتقادات و بر شدن  
جای بسیاری از نواقص تا شریک سازی  
خواهندند که قابل ستایش و تقدیر  
بسیار است.

خداکش نیروی ممکن را حول شعاع  
بازگشائی انقلابی دانشگاه متشکل  
نمود. فقط به این صورت بود که  
نیروهای دمکرات، بیستابین  
متزلزل نیز بدون وا همه در جهت  
فعالیت دمکراتیک حرکت میکردند  
سیاست و نظر سازمان ما در مورد این  
حرکت و تمام حرکتات مشابه چنین  
بوده و هست اما متأسفانه رفقای  
پیشگام در عین عدم تسلط بر این  
مواضع در مورد پیشبرد این سیاست  
که میبایست سیاست محوری ما در این  
عمل قرار گیرد، برخوردی غیر فعال  
داشته اند. این شکل از برخورد رفقا  
باعث غالب گشتن دیدگاه انحرافی رفقای  
سایر گروهها، که به انجام حرکت با نام  
سازمانهای سیاسی اصرار می ورزیدند،  
برکل حرکت و در نتیجه خارج شدن  
حرکت از چهار چوب دمکراتیک خود  
گشت. این مسئله بر تمام می و جبهه  
حرکت سایه افکند. شعارها، پلاکاردها،  
اعلامیه ها و... تمام می از آن متاثر  
گشتند.

۲- عدم درک صحیح از اتحاد عمل،  
برخورد رفیقانه و...

متأسفانه به علت نبود تجربه مشخص  
در رابطه با اتحاد عمل هنوز حتی اصول  
اولیه آن نیز روشن نیست در این  
رابطه در حرکت برخورد های نام صحیح  
و نارفقانه، به انحراف کشانیدن  
مباحث، برده پوشی و برخورد های  
نامادقانه و حتی توسل به اعمالی  
مقاوم مخالف با مواضع اتخاذ شده  
در جلسات و یا بدون مطرح کردن و تصمیم  
گیری مجدد دیده میشود. در عین حال که  
این گرایشات ریشه در گرایش هر گروه  
و سازمان دارد اما برخورد صحیح قاطع  
و اصولی سایر رفقا نیز میتواند در مهار  
کردن و تصمیم آن کار ساز باشد.

کلاً در رابطه با این حرکت به رفقای  
پیشگام نیز انتقادی وارد است رفقا  
به علت عدم تسلط کامل بر مواضع  
سازمان در مورد مسئله دمکراتیک  
نتوانستند شکل درستی این مواضع  
را به پیش ببرند. رفقا عمل نتوانستند  
سیاست محوری ما را در رابطه با شکل و  
محتوای برگزاری مراسم بصورت  
سیاستی دمکراتیک - آنگونه که طرح  
شد مطرح نمایند و به پیش ببرند. از طرفی  
به علت نبود تجربه مشخص و در عین حال  
دیدگاهی از اتحاد عمل رفقا در مواردی  
به برخورد لیبرالی دچار گشتند.  
بعنوان مثال میتوان از میسردان  
دادن بیش از حد به بحث های انحرافی  
نام برد (گرچه در نهایت نیز قاطعیت  
همین رفقا جلوی مسئله را گرفت)  
همچنین این برخورد خوشبینانه رفقا  
نسبت به اتحاد عمل با سایر گروهها بود  
که منجر به عدم سازماندهی مستقلاً کافی  
نیروها داشت بصورتی که هنگامی که  
سایر گروهها حرکت را نفوذ کردند در رفقا  
قادریه برگزاری مستقل حرکت نبودند

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرد

● از میان گزارشها

مردم چه میگویند،  
مردم چه میخواهند؟



بنی صدر و راجائی چی میفهمنداونا که اون با لاجب و راست دستورا درمیکنندچی میفهمندفردا همه چها ی دیگرم از گرسنگی می میرند هیچی فرق نگورده انقلاب را ما کردیم اما این با دمجان دورقاب نشینها همه چیز از دست ما قاپیدند و بردند "همان فردیا لتوئی با عصا نیت به طرف خانم برگشت و گفت "این شایعات راستون پنجم دشمن و کمونیستها پخش می کنند شما چرا گوش می کنید خانم! " همه برگشتند به سرد نگاه کردند در آنده تا کسی دستش را زد و فرمان و گفت " مصیوشکر هرچی حرف حق بزنی میکن کمونیستی ، اگر کمونیستها از گرانی حرف میزنند پس معلومه کمونیستها چیزای بد نمیگن و حرفهای حسابی میزنن رسیده بودیم نواب من پیاده شدم همینجور که در تا کسی را بهم میزد من شنیدم که زن مسن می گفت " آقا جانم به لب رسیده ، پسر شاخ شمشاد منون بیا رخنه بود حا لانون خالی هم گیرمون نمی یاد به کی بگم که ... تا کسی راه افتاد دوبقیه حرفش را نشنیدم داشتیم می رفتیم آن طرف خیابان که چشم افتاد به تا بلوی مغازه روبرو "پارچه فروشی مقدم" و رفتیم توفکر که اگر پارچه گرونی "اگر کفش و روغون تا بد گرونی؟ برای این است که هنوز مثال مقدمها وحسین زاده ها و لامعها و بسیاری از کارخانه داران بزرگ پشت پرده کارخانه ها را می چرخانند ، پشت پرده بازار را می چرخانند دولت هم از آنها حمایت می کند ولی تاکی؟ مردم دیگر حاضر نیستند "صرا انقلابی" کنند مردم با بلند کردن صدای اعتراضشان نشان میدهند که خالاد دیگر میخواهند عمل انقلابی کنند.

● در صف برنج

در یکی از محلات جنوبی تهران ، شرکت تعاونی محل برنج توزیع می کند

زندگی روزانه در کمکسان ،  
کریستالهای روزافزون این زندگی  
و تعد مردم در جریان مشکلات روزانه  
می نویسند خود رنده ترین و کوبنا ترین  
سان واقعت است .

● دزتا کسی

نوی تا کسی نشسته بودم بجزرا ننده  
دو نفر دیگر هم نبودند یک آقای نسبتا  
مسن سوار شد یک دستش کیسه پلاستیکی و  
دست دیگرش یک میله بزرگ بود که از  
سینه تا کسی بیرون نگاه داشته بود  
خانم مسنی که جا در کله دار مندرسی  
یوسید بوه به کیسه پلاستیکی اشاره کرد و  
پرسید "آقا صابون را چند خریدی" آقای  
مسن مثل اینکه منتظر این سوال باشد  
گفت " ۲۵۰ ریال همین صابون قبلا ۱۵۰  
ریال بود معلوم نیست دوباره روز دیگر  
چقدر شده خانم سرپا م آورده هیچ چیز  
نمی بوی بخری مردی که جلو نشسته  
بود یک پالتو مشکی پوشیده بود و وضع  
سنا مرتبی داشت گفت ، این گرانی  
کار مردم کا فراست چندیا رتونا ز جمعه  
گفته شد که گران تر شوید ، خودتان  
انصاف کنید " آقای ولی " ای آقا  
انصاف کجاست ؟ کا فر کدام است ؟  
گرانی زیر سر حا جی با زاریهاست که  
ادعا تون میشه از همه مسلمان ترند .  
همه چیز را نگه میدارن تا توبا زا رکم  
بشه و بعد دوسه برابر میفروشند هر چه بلا  
ما بدبخت و بیچاره ها می کشیم از دست  
حا جی با زاریهاست حکومت هم از همه شون  
دفاع کرده و می کند و حرف میگو  
طرفدار نیستن آنها هستن ولی در عمل  
آنکا ردیگر می کنند آقا ؟ " گفتم " درسته  
دولت هی میگو گران تر شوید ا حتکار  
نکنید با حرف که کا درسته همیشه اگر  
راست میگو با اینهمه پادار و ارتش  
که دارم محتکران ر دستگیر کنند ، اون  
با زاری را که کا لارا گران میفروشند  
مجازا ت کنداون کا رخانه داری را که  
قیمت تا بدو روغن و غیره را روز بروز  
با لاتر می برد از کا ربرکنا ر کند و خودش  
توزیع همه کا لاهار بدون استثناء  
بدست گیرد و ... حرف تمام نشده بود  
که همان آقای پالتوئی گفت ، نه آقا  
هر جا جنگ باشد گرانی هم هست و تقصیر  
هیچکس جز عراق نیست با بد تحمل کرد  
را ننده تا کسی که تا حالا ساکت بود و  
فقط گهگا هی لیخنه میزد نا گهان از  
کوره در رفت و گفت " مگه ما قبیل از  
جنگ گرونی ندا شتیم نه آقا اینها  
بها نه است دارند سر من و شماروشیره  
میبا لند ، چرا زین بیچاره من تحمل کند  
اما اونا که توبا ختمنا نهی سربفلک  
کشیده نیارون نشسته اند ا حست  
بخورند و بخوار بند چرا بخال من خالی  
یا شدا ما گردن کلفتها چندتا چندتا  
فریزر پرا ز گوشت و کوفت و ... داشته  
یا شند " خانم مسن برگشت و خطاب به  
مردا ولی گفت " راست میگو تا کی باید  
یک عده زحمتکش کا ر کنند و یک عده مفت  
و راحت بخورند ، پسر یکی یک دونه مسن  
توجه به گذشته شد اشک آمدن و چشمها اش

و عده زیادی در صف ایستاده اند که  
عمدتا از خانواده های کارگری و زحمتکش  
می باشند . خانمی که روبرو ایستاده  
دارد دوخته بنظر می رسد می گوید :

- انکا راون زمان بهتر بود .  
یعنی فرقی نداره ، این زمان هم  
بخوای حرفی بزنی از آنموقع بدترت  
می کنن . آخه این منتظری کیسه که  
میخوان برایش راهیما نی کنن . خدا  
میدونه که من یک دونه برنج هم توبا  
خونه ندارم . شوهرم ماهی سه هزار  
تومان در آمد داره که هزار تومان قسط  
میدهیم . رفتیم بانک و گفتم ندا رم که  
بدم گفتند ندا ری که ندا ری به ما چه .  
چند روز پیش بچها م رفته خونه همسایه ،  
دیده یلو یختن . او هدیمن گفت : ما مان  
منهم یلو میخوام . ما هم هیچی برنج  
خونه ندا شتیم . انکا ر که دنیا روسرم  
خراب شد . چون بچه که داری و نداری  
نمی فهمد .

خانمی که جا در کله دار و تیره رنگ و رو  
رفته ای بسر دار می گوید :  
- بفرما ! کیسه های این حرفها  
رسیدگی کنه ؟ اینها چه میدونن درد  
منو تو چیه ؟! از صبح کله سحر او مدم از  
خونه بیرون واسه ۳ کیلو برنج الان هم  
ساعت ده ونیمه . چند دقیقه دیگه ظهر  
میشه هیچی درست نکردم . بچه هام  
میان و گشنه می مونن . بخدا انصاف و  
تشک ، دیشب روی زمین مونده از زندگی  
افتادیم .

زن میانسالی که روی زمین نشسته و  
به حرفهای آبان گوش میدهد و ا رد صحبت  
میشود :

- تموم این کمردرد و پا دردم از  
وقتی که توی این صفها می ایستم دوباره  
عود کرده و زمین گیر شده ام . همش توصف  
می ایستم . اصلا دیگه نمی تونم راه برم .  
از بس که توصف گوشت و تخم مرغ تا بد و  
روغن و در دو بی در مون و ایستیم که با این  
روز افتادم . توصفم که می ایستیم میگن  
ضدانقلاب .

زن جوانی که بنظر می رسد روستا نشینی  
با شادبا لهجه آذربایجانی می گوید :

● - هرکی بما میگه "ضدانقلاب" خودشه  
مگر چکا رمی کنیم . برنج میدن ما هم  
او میدیم که بگیریم دیگه . خانم نسبتا  
جوانی جواب میدهد :

- ضدانقلاب !! انقلاب خودش چی  
بود که ضدش چی باشه !!

خانمی که روی زمین نشسته بود می گوید :

- هرکسی به ما میگه ضدانقلاب واسه  
اینکه خودش خونه شو بر کرده و نشسته بغل  
چراغ تو گرما . اون باید هم بمن بگه  
ضدانقلاب !

زن روستائی می گوید :

- خوب اگر میخوان که ما ضدانقلاب  
نباشیم بیارن بدن تو خونه ها مسون .  
آنموقع معلوم میشه که ضدانقلاب کیه .  
و همان خانمی که جا در رنگ و رو رفته  
گلهاری بسر دار می گوید :

- بخدا از صبح ساعت ۶ او مدم  
و ایستم توصف . بسین هنوز توصفهای  
صم . اونها نی که اول صف بودن حتما  
ار صبح ساعت ۵ او مدم و ایستادن  
اونوقت ما تدم ضدانقلاب . با اسه  
کلبورنج میدان اصلا رزش ندا ره که  
ایستیمه و ایستیم . تا زه معلوم هم نسبت  
که بد ما برسه یا ترسه !

# خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

## مهاباد

روز پنجشنبه ۱۸/۱۰/۵۹ ساعت ۷/۴۵ الی ۹ رورگشتی پاسداران به سوی نوجوان چهارده ساله ای درمیدان علاجی که عازم مغازه کیسول گاز خانگی بود تیراندازی کرده و در نتیجه وی را به شهادت میرسانند و همچنین یک نفر را برکه با گاری دستی خویش از آنجا عبور می کرده مجروح می شود. نوجوان شهید میرتهرانی نام داشت. این جنایت و سایر تیراندازیهای بیمورد خشم مردم را برانگیخته است. روزشنبه ۲۰/۱۰/۵۹ حدود ساعت ۱۰ صبح عده زیادی پاسداران سرمایه به میدان قاضی محمد هجوم آورده و به این بهانه که گویا پیشمرگان به داخل شهر نفوذ کرده اند شروع به تیراندازی کرده که بر اثر این تیراندازیها شخصی بنام نوری الهی که همکار شورای شهر مهاباد بود از ناحیه پا زخمی می شود. بدنبال این تیراندازیها شهر متشنج شده با زار بحالت تعطیل در می آید. ضمناً گلوله خمپاره به شهر پرتاب شد که چند خانه را ویران نمود بر اثر ما بت گلوله آتشزایه منزل یوسف مالکی این منزل آتش گرفته و بکلی سوخت و جوانی که برای خاموش کردن آتش رفته بود از

ناحیه پا موردا ما بت گلوله قسرا ر گرفت.

شب ۲۰/۱۰/۵۹ پیشمرگان مقسرا تلویزیون و دخانیات را هدف ضربات خود قرار دادند که از میزان تلفات تا کنون اطلاعی در دست نیست. لازم به توضیح است که در تیراندازیهای روز ۲۰/۱۰/۵۹ نفر زخمی شده بعد از مرخص شدن از بیمارستان مسئولین بیمارستان از طرف سپاه پاسداران تهدید شده اند که از این به بعد نباید زخمیان را فوری مرخص کنند بلکه با بستن از سپاه پاسداران اجازه بگیرند (لا بد یاد از آنها (زخمیها) توضیح خواسته شود چرا بدنشان را جلوی گلوله ها قرار داده اند!)

## مریوان

در ۱۷/۹/۵۹ در این روز پیشمرگان سازمان طبق اخباری که بدستشان رسیده بود از وجود عناصر مزدور زرگاری در روستای بهرام آباد مطلع شده برای این مزدوران کمین می گذارند پس از چندی که مزدوران زرگاری از روستا خارج نمی شوند پیشمرگان بطرف آبادی حرکت کرده و با تیراندازی مزدوران زرگاری درگیری شروع می شود که بعد از مدتی پیشمرگان کومه له نیز در سنگر پیشمرگان سازمان جای می گیرند درگیری ۱۱ ساعت طول می کشد پیشمرگان ۱۲ نفر از مزدوران را کشته و نفر از

## مریوان

بعد از متصرف شدن "دزلی" توسط سرکوبگران و با همکاری قیاده موقت مزدور آمریکا به فکر تصرف "دره کی" و "دمه سو" افتاد که بعد از چندی درگیری توسط پیشمرگان به عقب رانده می شود و در تاریخ ۴/۱۰/۵۹ ارتش بسوی قلعه جی و قلعه گاه حرکت کرد و حدود ۱۰ کیلومتری این محل پیشروی کرده که پیشمرگان سازمان روبروی آن مان سنگر گرفته و به آتش مزدوران پاسخ داده و بعد از مدتی با دادن تلفاتی مجبور به عقب نشینی شدند و پیشمرگان همگی سالم به پایگاههای خود باز گشتند. در ضمن ارتش عراق تا ۶ کیلومتری مریوان پیشروی کرده و در محلی بنام قوچ سلطان مستقر است و با ستون های ارتش ایران قریب ۳ کیلومتر فاصله دارد.

## اعتراض هنرجویان هنرستان صنعتی شهید پناهی در سلب اسلحه و حمله سپاه پاسداران

در پی اعتراض هنرجویان هنرستان صنعتی شهید پناهی به دستگیری دو تن از همکلاسی های خود و خودداری آنها از رفتن سرکلاس (اکبری) رئیس آموزش و پرورش سلیمان در جمع هنرجویان حاضر شد و در پاسخ اعتراض آنها به این دستگیری دست به تهدید و ارا عاب زد و آخرین حربه او این بود که گفت ضد انقلاب در شما نفوذ کرده است. هنرجویان که بی به هدف و از این حيله بهره بردند در تصمیم خود مبتنی بر بر آورده شدن خواسته های شان برجا تر شدند

و از رفتن به کلاس خودداری کردند. خواسته های هنرجویان شامل:  
۱- تشکیل شورای دانش آموزی و به رسمیت شناختن از طرف مسئولان.  
۲- اخراج مدیر هنرستان بخاطر فحاشی و بدگویی به هنرجویان.  
۳- جلوگیری از حیف و میل اموال هنرستان بود.  
گروهی از دبیران هنرستان نیز به حمایت از هنرجویان برخاستند. بعد از مدتی افراد مسلح سپاه پاسداران همانند همیشه برای سرکوب این حرکت اعتراضی در محل حاضر شدند و با بی شرمی تمام هنرجویان را تحت عنوان حمله شاه و شاه پرستان زیر ضرب و شتم گرفتند.

## اعتراض هنرجویان هنرستان میاندوآب برای یکسره شدن

مسئولان هنرستان صنعتی میاندوآب ۱۵ ذریه دانش آموزان اعلام کردند که

از این پس هنرستان دوسره صبح و بعد از ظهر خواهد بود و اگر کسی قبول نداشته باشد اخراج میشود. یکی از هنرجویان به درختان رئیس هنرستان گفت اگر این مسئله بخاطر دانش آموزان است باید از آنها نظر خواهی بشود و دلیلش گفته بشود. رئیس هنرستان گفت علتش بشما مربوط نیست. بعد از این هنرجویان تصمیم گرفتند تا یکسره شدن مجدد هنرستان بکلاس نروند. سه روز بعد فروغی مدیر تازه هنرستان در جمع هنرجویان حاضر شد و گفت علت دوسره شدن هنرستان این است که بازده کار و تحصیل شما بهتر و بیشتر شود. یکی از هنرجویان گفت بازده کار زمانی بهتر میشود که وسائل و امکانات کارگاهی کافی باشد. اعتماد هنرجویان ادامه یافت. بعد از ۶ روز کمیته هماهنگی هنرجویان اعتمادی بخاطر جوا بیجاء شده در منطقه (درگیری بین خدمتدوران ارتش و پیشمرگه های خلق کرد) تصمیم گرفت که هنرجویان اعتماد را تمام کنند اما به مبارزه برای یکسره کردن مجدد هنرستان ادامه میدهند.

# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر